



امریکا تاریخ تاریک

تاریخ روابط خارجی ایران در دوران معاصر، مشحون از تجربیات تلخ، توام با زیاده طلبی قدرت‌های خارجی است که به کشورها صرف‌از منظر نقطه‌ای با اهمیت و استراتژیک در عرصه تحولات بین المللی می‌نگریستند. اهمیت راهبردی ایران هم از حیث سوق الجیشی و هم از جهات اقتصادی و منابع غنی انرژی و نیز قرار گرفتن آن در منطقه مهم خاورمیانه باعث شد که دول قدرتمند که این منطقه را به عنوان قلب جهان نامگذاری کردند برای تسليط بر آن نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشند. لذاز حدود ۱۵۰ سال پیش غرب غارتگری و قله تلاش داشت که کشور ما را تحت سلطه خود دربیاورد.

ممانت آنان از دستیابی ایران به راه آهن، تاسیس سد بر روی رود کارون، توسعه راههای موصلاتی کشور در جنوب و شمال و غرب، توسعه کشتیرانی ایران... در دوره قاجار و غارت گستردۀ منابع غنی کشور در دوره پهلوی و تلاش برای متوقف ساختن تحقیقات برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در دوران فعلی، همگی حاکی از عزمی شومن برای جلوگیری از رشد و توسعه ایران عزیز است که همواره تعیین‌کننده روابط آنها با کشور ما بوده است. با جایه‌جایی قدرت در سطح بین المللی و ظهور امریکایی همان سیاست‌های اشکالی دیگر بر کشور ما تحمیل شد.

ردیابی اولین حضور امریکایی‌ها در ایران در ماجرای تجارت تریاک در ۱۸۳۳ میلادی و سپس اعزام مبلغین مسیحی که شمال غربی ایران بویژه ارومیه را در آتش منازعات قومی و مذهبی فرو برد قابل مشاهده است. امریکا در آن دوران طی یک تقسیم‌بندی جهانی و براساس دستورالعمل رئیس جمهور وقت آن کشور به نام مونروه حوزه غارتگری خود را به قاره امریکا محدود ساخته و خاورمیانه را به انگلستان و اکدار کرده بود. پس از جنگ جهانی دوم و افول قدرت انگلستان، امریکا جانشین استعماری انگلوساکسون‌های بریتانیا شد و با حساسیت خاصی مسائل ایران را پیگیری نمود. مجرای نفوذ امریکا در ایران ارتش و سپس بخشی از تحصیلکردن غربگرای ایرانی بود.

اولین ثمره حضور فعال امریکایی‌ها در ایران تلاش برای تغییر ساختار اجتماعی، اداری ایران و سپس کودتای ۲۸ مرداد بود که لکه نگی ابدی بر دامان آن رژیم بر جای گذاشت. غارت منابع نفتی، تراز سرمایه ملی از طریق تحمیل قراردادهای تسلیحاتی، تحمیل کاپیتوواسیون... ثمره ۲۵ سال حضور جدی امریکا در ایران بود که با انقلاب اسلامی به آن خاتمه داده شد. روند پرشتاب وقایع در دهه ۴۰ شمسی با توجه به اصرار امریکایی‌ها به ایجاد تغییرات گسترده فرهنگی، اجتماعی در ایران که منجر به نابودی اسلام در ایران و تسلط صهیونیسم بین المللی و عوامل بومی آن بویژه وابستگان به فرقه ضاله بهائیت بر این کشور اسلامی می‌شد اعتراضات گسترده‌ای را به رهبری امام خمینی «به وجود آورد که توسط دستگاه امنیتی ساخته دست امریکایی‌ها و صهیونیسم بین المللی سرکوب شد.

با وقوع انقلاب، امریکا جزیره ثبات خود را در منطقه از دست داد و ضربه سنگینی بر منافع نامشروع آن وارد شد لذا انواع توطئه‌ها برای جلوگیری از موفقیت انقلاب آغاز شد که ایجاد شورش‌های داخلی، طراحی کودتاهاي مختلف نظامی، تحمیل جنگ، محاصره اقتصادی و تهاجم فرهنگی بخشی از آن به شمار می‌رود. تحمل این توطئه‌ها از سوی ملت بسیار سخت بود. لذا هوشیاری انقلابی ایجاد می‌کرد کانون فتنه و توطئه تعطیل شود. سنگ توطئه گران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ فتح شد و انقلابی دیگر شکل گرفت. انقلابی بزرگتر از انقلاب اول، اکنون در آستانه سالروز این انقلاب بزرگ به مرور پیشینه روابط امریکا و ایران می‌پردازیم.

همانند گذشته چشم‌انظر داریافت مقالات، اسناد، عکس و مطالب جذاب شما عزیزان هستیم.



- از نیروی سوم تا شیطان بزرگ ۲۰
- طلیعه ۱۱ آبان ۱۳۸۵ صفحه ۱۱
- امریکا از همه بدتر است ۲۱
- گزیده گفتگوهای امام با رسانه‌های جهانی ۱۲
- نخست وزیر محظوظ امریکا ۱۳
- نقش‌های ۱۴
- بارقه‌های امید ۱۵
- عکاس باشی ۱۶
- شان نزول لقب « حاجی واشنگتن » ۱۷
- پرسه ۱۸
- حمایت کامل امریکا از بهائیت ۱۹
- نهانخانه ۲۰
- شیر و عقاب: روابط بدفر جام ... ۲۱
- کتابخانه تخصصی ۲۲
- تشکیل کابینه از هاری ۲۳
- یادمان ۲۴
- شاهنشاه امریکا! ۲۵
- ایستگاه آخر ۲۶



استخدام مستشار مالی از امریکا گرفت و با تصویب مجلس، آرتو میلیسپو با هیاتی در سال ۱۳۰۱ ولد ایران شد.^۱ میلیسپو در ارتباط با اصلاح اوضاع مالی، تدبیری اندیشید و موفقیت‌هایی نیز به دست آورد ولی در سال ۱۳۰۶ بر اثر اختلافاتی که بین او، رضاشاه و مجلس شورای ملی بوجود آمد کشور را ترک کرد.^۲

ایران در سال ۱۹۲۴ قرارداد نفت شمال را مجدداً با شرکت امریکایی سینکلر به امضا رسانید. انگلستان نیز کماکان با این اوضاع مخالف بود و هنوز این شرکت کار خود را شروع نکرده بود که واقعه کشته شدن مستشاران امریکایی برای وزارت مالیه با ۵۶۰ لیره مواجب پیشنهاد جذب و به کار رای گیری آنها را به مجلس شورای ملی داد؛ بدین ترتیب در ۱۳ بهمن ۱۲۸۹ قرارداد استخدام مستشاران امریکایی رئیس‌الوزرا وقت پیشنهاد جذب و به کار رای گیری آنها را به مجلس شورای ملی داد؛ بدین ترتیب در ۱۳ بهمن ۱۲۸۹ قرارداد استخدام (صدراعظم) که خواهان تعديل قدرت دو کشور روس و انگلیس در ایران بود را بین هایی با کشورهای اروپایی چون پروس و اتریش و همچنین امریکا کرد و برای برقراری رابطه با امریکا به میرزا محمدخان مصلحت‌گذار ایران در عثمانی دستور داد که با نامینده ایالات متحده (جورج مارش) در زمینه بستن قرارداد مذکور کند پس از گفتنگو بین دو سفير، موافقت امریکا اعلام شد و معاهده‌ای با نام «عهدنامه دولتی و کشتیرانی» با کشور ایران ترتیب داده شد.^۳

قطع رابطه دو کشور

از دیگر وقایع دوره سلطنت رضاشاه در روابط ایران و امریکا می‌توان اولین قطع رابطه با این کشور را عنوان کرد. این اتفاق از سال ۱۳۱۵ به مدت دو سال به طول انجامید و ماجرا از این قرار بود که اتموبیل سفیر ایران در امریکا به دلیل سرعت غیرمجاز و توجیهی به اخطار پلیس، توقيف و شخص سفیر نیزه همین دلیل بازداشت شد. ولی سفیر ایران پس از آزادی، به فرمان رضاشاه سفارت را تعطیل و به ایران برگشت. که در نهایت با عذرخواهی رسمی دولت امریکا از رضاشاه روابط دو کشور بار دیگر برقرار شد.^۴

با آغاز جنگ جهانی دوم، ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد، ولی متفقین بی‌توجه به این امر، ایران را به اشغال نظری درآوردند. امریکانیز در این امر شریک بود و از طریق راه‌آهن ایران به شوروی آذوقه و تسلیحات می‌فرستاد. اوضاع بهم ریخته ایران با شروع جنگ و خیانت شد. وضع اقتصادی بسیار بد بود. تورم، کمبود خوار و بار، احتکار و قحطی شیوع ییدا کرد. متفقین به این نتیجه رسیدند که برای بهبود اوضاع باید از مستشاران خارجی خصوصاً امریکایی دعوت به عمل آید. لذا با موافقت دولت

مشروطیت هوارد با سکرول امریکایی در کنار مردم تبریز در سنگر کشته شد. شاید بتوان گفت به علت همین موقعیت، زملی که دولت دچار بحران مالی و به هم ریختگی اوضاع اقتصادی بود متوجه امریکا و مستشاران این کشور شد و راه حل سلامان دادن به اوضاع را در استخدام این افراد دید. لذا مستوفی‌المالک رئیس‌الوزرا وقت پیشنهاد جذب و به کار رای گیری آنها را به مجلس شورای ملی داد؛ بدین ترتیب در ۱۳ بهمن ۱۲۸۹ قرارداد استخدام مستشاران امریکایی برای وزارت مالیه با ۵۶۰ لیره مواجب در سال به تصویب رسید^۵ و متعاقب آن، مورگان شوستر در مه ۱۹۱۱ مه ازدیمه شد^۶ برای سر و سامان دادن اوضاع مالی ایران به همراه هیاتی وارد تهران شد.^۷

قطع رابطه دو کشور

ایلات متحده که تا جنگ جهانی اول سیاست ازوایلی داشت، از این زمان، به تدریج تغییر سیاست ارزشمند را صادر کرد. اولین موافقت‌نامه بین ایران و ایالات متحده امریکا با نام «عهدنامه مودت و تجارت» طی ۸ ماده در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۸۷ آذرن ۱۲۳۶ ش میان

اطلاعی امتیاز نفت شمال

با کودتای رضاخان و آغاز دوره چهارم مجلس شورا که پس از یک فترت چند ساله افتتاح شد. قوام‌السلطنه نخست وزیر برای بهبود اوضاع خراب مالی به فکر واگذاری ذخایر نفت شمال به یک کشور بی‌طرف خارجی افتاد و به دنبال مذکورات با شرکت استاندارد اولی امریکا در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۱ آذرن ۱۳۰۰ استخراج و پهمرداری از نفت شمال به مدت ۵۰ سال به این موسسه واگذار شد.^۸ پس از تصویب این قرارداد، جنجال بزرگی از طرف دولتین شوروی و انگلستان به راه افتاد و تهدیدهای آنان خصوصاً انگلستان باعث منتفی شدن این قرارداد شد.^۹

فعالیت کردن این گروه داده است نباید در این امر نادیده گرفت.^{۱۰}

ضرورت رابطه سیاسی ایران و امریکا از زمان ناصرالدین شاه قوت گرفت. میرزا تقی خان امیرکبیر (صدراعظم) که خواهان تعديل قدرت دو کشور روس و انگلیس در ایران بود را بین هایی با کشورهای اروپایی چون پروس و اتریش و همچنین امریکا کرد و برای برقراری رابطه با امریکا به میرزا محمدخان مصلحت‌گذار ایران در عثمانی دستور داد که با نامینده ایالات متحده (جورج مارش) در زمینه بستن قرارداد مذکور کند پس از گفتنگو بین دو سفير، موافقت امریکا اعلام شد و معاهده‌ای با نام «عهدنامه دولتی و کشتیرانی» با کشور ایران ترتیب داده شد.

اگرچه امیرکبیر پس از چندی کنار رفت و انگلستان مانع بستن این قرارداد شد ولی پس از تیرگی روابط ایران و انگلستان در ماجراهی هرات، ناصرالدین شاه به مصلحت‌گذار خود در عثمانی فرمان بستن مجدد قرارداد را صادر کرد. اولین موافقت‌نامه بین ایران و ایالات متحده امریکا با نام «عهدنامه مودت و تجارت» طی ۸ ماده در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۸۷ آذرن ۱۲۳۶ ش میان

ورود نخستین نماینده سیاسی امریکا

۲۶ سال پس از انعقاد قرارداد مذکور در ۱۱ زانویه ۱۸۸۳ دی ۱۲۶۱ سالی امریکا لایحه تامین حقوق کاردار و سرکنسول امریکا در ایران را تصویب کرد و اولین وزیر مختار به نام سمیوئل گرین ویلر بنجامین عازم تهران شد. پنج سال پس از ورود او، اولین سفیر ایران حاج حسینقلی خان نوری ملقب به صدرالسلطنه با هیاتی ده نفره به امریکا رسید.^{۱۱}

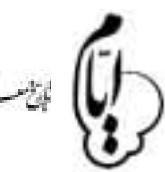
در روابط دو کشور تا ۱۹۱۰ ش روبرو ممکن است

آیا روابط ایران و امریکا آن‌طور که مارک گازبورووسکی می‌نامد همواره بر مدار «دست نشاندگی» استوار بود. یا رجال صالح و مستقل ایران در ارتباط با امریکا به عنوان «نیروی سوم»-رهایی ایران از فشار دو قدرت روس و انگلیس را می‌حسبند؟ از آن سوی، دولت ایالات متحده در ایران به دنبال چه مطابعی بود؟ این روابط، چه مراحل و چه فراز و نشب‌هایی داشت؟ عملکرد ایالات متحده در ایران، بیوه پس از جنگ جهانی دوم بر چه مبنای استوار بود که با پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین نفرت این ملت بزرگ نصیب «شیطان بزرگ» شد؟ مقاله حاضر، روابط دو کشور را در یک سیر تاریخی و تحلیلی به بررسی می‌نشیند.

از آنچه که در اسناد و نوشته‌ها آمده است، اولین تعلیم ایرانیان و امریکاییان را باید همزمان با ورود میسیونرهای مذهبی امریکایی به مناطق شمالی ایران خصوصاً منطقه آذربایجان داشت. از حدود سال ۱۲۰۸ م/۱۳۰۰ ش این هیات‌های تبشیری که به منظور زمینه‌سازی حضور استعمار و تهاجم فرهنگی از طریق کسب اطلاعات، تبلیغ مسیحیت و همچنین بررسی احوال مسیحیان این خطه وارد کشور شده بودند. برای دست یافتن به اهداف خود، فعالیت‌هایی به ظاهر خبریه انجام می‌دادند. از جمله اقدامات آنان تاسیس مدارس، ساختن مراکز درمانی، تاسیس چاپخانه... بود که بیشتر شامل حال مسیحیان و آسوریان می‌شد که دست خط محمدشاه را که برای

تاریخچه روابط ایران و ایالات متحده

از «نیروی سوم» تا «شیطان بزرگ»



شورشیان ظفار، شرکت و آنان را سرکوب کرد؛ در جنگ هند و پاکستان، به کمک پاکستان (متحده امریکا در سنّتو) شتافت. در درگیری‌های شاخ آفریقا به نفع رژیم متمایل به غرب زیادیاره (در سومالی) دخلات کرد و در این نقش خویش آنچنان انجام وظیفه کرد که امریکا بودن حضور مستقیم و تلفات نیروهای خودی، از آرامش در این منطقه مطمئن شد و در نتیجه، فروش سلاح غیرهسته‌ای به رژیم شاه بدون محدودیت در دستور کار دولت نیکسون قرار گرفت. این روند در دولت جمی کارت دموکرات نیز، که با شعار حقوق بشر در انتخابات پیروز شد، فروش تسليحات نظامی بدون محدودیت ادامه یافت و حتی وی با فروش چند فروند را در پرنده موسوم به آواکس به ایران نیز موافقت کرد.

با آغاز نهضت انقلاب اسلامی، امریکا هم‌زمان باه راه اندختن توطئه‌های مختلف بر ضد نظام نویای جمهوری اسلامی در صدد برقراری روابط بین دو کشور بود آگرچه می‌دانست این ارتباط نظیر دوران سلطنت پهلوی خواهد شد. امداد‌شجویان پیرو خط امام بالشغال سفارت امریکا در تهران (۱۳ آبان ۱۳۵۸) خط بطلازی بر آزوی امریکا کشیدند.

با حمله نظامی امریکا به ایران در اردیبهشت ۵۹ و طراحی کودتای نوژه در تیرماه همان سال روابط تیره‌تر شد بوزیه آن که در سراسر سالهای جنگ تحملی با حمایت از عراق و تحریم ایران، دست اتحاد و دوستی به عراق داده و تسليحات ارتش عشی را تأمین کرد.

توطئه و دشمنی‌های امریکا با نظام جمهوری اسلامی نه در تمام سالهای دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ باشد و حدت تمام ادامه یافت و روابط پرتشیش دو کشور در دهه ۱۳۸۰ ش نیز به خاطر توطئه شیطان بزرگ و موضوع‌گیری‌های مقننه نظام جمهوری اسلامی کماکان تفاوت پیدا کرده است و هم‌اکنون در موضوع هسته‌ای ایران، ایالات متحده در عمل به حاشیه‌فتنه و منزوی شده است.

پاتوشهای:

- ۱- رحیم رضازاده ملک، تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا ص ۵۵ • ۲- دکتر فریدون آدمیت، امریکبیر و ایران تهران، خوارزمی، ۱۳۵۵، صفحه ۵۷۳ • ۳- غلامرضا کرباسچی روزشمار روابط ایران و امریکا تهران، بقعه ۱۳۸۰، ص ۱۶ • ۴- دکتر باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۹ • ۵- مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، ص ۱۰ • ۶- غلامرضا کرباسچی، روزشمار روابط ایران و امریکا ص ۱۸ • ۷- عبدالرضا هوشگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، عنوان «سنند بردگی ملت ایران» یاد کردند.
- ۸- رحیم رضازاده ملک، تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا ص ۳۱۹ • ۹- علیرضا دیمیم، تاریخ روابط خارجی ایران در عصر رضاخان، ص ۱۹۸ • ۱۰- عبدالرضا هوشگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۱، عنوان «سنند بردگی ملت ایران» یاد کردند.
- ۱۱- رحیم رضازاده ملک، تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا ص ۳۷۸ • ۱۲- همان ص ۳۷۶
- ۱۳- امین سایکل، سیاست خارجی (۱۳۵۷)، تاریخ ایران کمیریج سلسه پهلوی و نیروهای مندی، ۱۳۷۷ • ۱۴- محمود مقدسی، خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صفحات ۴۳ و ۵۱ • ۱۵- لوثیں فارست، ایران و جنگ سرد: بحران آذربایجان (۱۳۲۴-۲۵)، ترجمه‌ها دهیات، ص ۲۵۷ • ۱۶- جیمز بیل، عقب و شیر: ترازی روابط ایران و امریکا ترجمه مهوش غلامی، ۱۴۱ • ۱۷- حسین نوری، بحران آذربایجان؛ نخستین عرصه جنگ سرد، جامجم، ش ۱۰۳۳، ص ۸۷/۶۰
- ۱۸- ریچارد کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، کویر ۱۳۷۱، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ • ۱۹- غلامرضا کرباسچی، روزشمار ایران و امریکا ص ۹۹ • ۲۰- جیمز بیل، همان، ص ۲۱۸ • ۲۱- همان، ص ۲۱۷ • ۲۲- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ جستارهای از تاریخ معاصر ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۷/۳۲ • ۲۳- غلامرضا کرباسچی، روزشمار روابط ایران و امریکا، تهران، بقعه ۱۳۸۰، صفحه ۲۰۵

دکتر امینی کار خود را با انحلال مجلسین و دستگیری تعدادی از نظامیان و سرمایه‌داران و افراد نافعه و سوءاستفاده کنندگان مالی آغاز کرد و همچنین پیاده کردن طرح اصلاحات ارضی که یکی از مهمترین برنامه اصلاحات امریکایی موسوم به انقلاب سفید بود و شاه در برای آن مقاومت می‌کرد. در دستور کار دولت او بود. این اقدامات، مشکلات بسیاری را علیه دولت دکتر امینی به وجود آورد و در حالی که شاه سخت از نخست وزیری وی تگران بود، به تدریج توانست با وساطت اساتیل شمایل (ثانو) توانست در منطقه اروپا سدی در برابر بلوك امریکایی‌ها را مقاعد کند که شخصاً عهددار انجام اصلاحات مورد نظر آنان شود و بدین ترتیب دولت امریکا به این نتیجه رسید که راهبرد اصلاحات را به دست شخص شاه و با نام «انقلاب شاه و ملت» به اجرا درآورد. در اجرای این سیاست، دکتر امینی مستعفی شد و اسدالله علم به نخست وزیری رسید. نخست وزیری او که با تعطیع، تهدید، ایجاد رعب و وحشت و با سرکوب مخالفان روی کار آمد، توانست اجرای اصلاحات امریکایی را آغاز کند.^{۲۰}



پس از پیان جنگ جهانی دوم، امریکا که از نفوذ روزگارون رقیب جدید خویش شوروی، بسیار نگران بود تصمیم گرفت تا ایجاد یک کمرنگ‌انسانیتی در اطراف شوروی و چین از توسعه نفوذ بلوك کمونیست جلوجیری کند. به این منظور با تشکیل سازمان پیمان آنالتیک شمایل (ثانو) توانست در منطقه اروپا سدی در برابر بلوك شرق ایجاد کند در جنوب شرقی آسیا پیمان آرسی دی در برایر کمونیسم قد علم کرد و در منطقه خاورمیانه نیز پیمان بغداد (ستنوی بعدی) تشکیل شد که ابتدا ایران به دلیل حاکمیت دولت مصدق در آن پیمان نقشی نداشت و از این حیث امریکا احساس خلا فراوان می‌کرد لکن پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد در ساختار امنیتی خاورمیانه‌ای امریکا، ایران به عنوان بازیگر اصلی برگزیده شد و به پیمان بندهاد پیوست.^{۲۱}

امریکا و اصلاحات ارضی

در ۳۰ دی ۱۳۳۹ (۱۹۶۱) کنندی از حزب

ایران، هیات‌های مستشاری خود را در زمینه‌های مالی، نظامی، بهداشتی، کشاورزی و نفتی به ایران اعزام کردند و آرتور میلیسپو بار دیگر در سال ۱۳۲۱ با عنوان مستشار مالی به ایران آمد. از این زمان به بعد است که حضور امریکاییان در تمام عرصه‌های کشور پررنگ‌تر می‌شود و دلالت امریکایی‌ها بیشتر نمود پیدا می‌کند.

امریکا و بحران آذربایجان

طبق مقادیر پیمان سه جانبه میان ایران و شوروی و انگلیس باید ۶ ماه پس از خانمه جنگ، قوای اشغالگر خاک ایران را ترک کنند و این در حالی بود که پس از جنگ، ارتش سرخ از تخلیه ایران امتناع می‌وزد. از سوی دیگر سیاست‌مداران امریکایی نیز درک کردند که چنانچه ایران به عنوان یکی از کشورهای خط مقدم به دست کمونیست‌ها بیفتند. تمامی منافع اقتصادی و سیاسی غرب در منطقه در معرض تهدید شوروی قرار خواهد گرفت.^{۲۲}

بحran آذربایجان و ادامه مداخلات شوروی در امور ایران، نه تنها در تعیین خط‌مشی ایالات متحده در مقابل ایران، بلکه در کل منطقه خاورمیانه نیز موثر واقع شد و به عبارت دیگر، واقعی آذربایجان در پیوند سرخهای مختلفی از یک سیاست در حال شکل‌گیری، یعنی جنگ سرد، نیز دخیل بود. زیرا ستاد مشترک نیروهای مسلح امریکا معتقد بود که ایران یک مانع طبیعی در برابر نفوذ شوروی به منابع نفت خاور میانه است و با تقویت و حمایت این کشور امریکا در واقع منافع فنی خود را در عربستان، حفظ و حراست می‌کند.^{۲۳}

در ان شرایط که منافع امریکا به نحو نزدیکی در کار بود، فقط آینده ایران و احتمالاً یونان و ترکیه در کار نبود. بلکه کل شکوه منافع امریکا در خاورمیانه مطرح بود.^{۲۴} در این هنگام شایع شد که هری ترونن رئیس‌جمهور وقت امریکا با ارسال پیام اولتیماتوم گونه‌ای که برای استالین ارسال شد به دولت شوروی هشدار داد که ظرف ۶ هفته خاک ایران را تخلیه کند، بعد‌ها محققان ثابت کردند که این چنین اولتیماتومی وجود نداشت.^{۲۵}

اما عامل اصلی خروج ارتش سرخ از آذربایجان این بود که چون انگلستان پس از تضعیف در جنگ جهانی دوم برای حفظ منافع خود در جنوب ایران، به اعطای امنیت به روسها راضی شده بود و لذا سیاسیون صالح و مستقل ایران بر آن بودند که باید به شکلی انگلستان از همگامی با روسها به رویارویی با آنها کشانده شود. برای این منظور مرحوم آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی، طرحی دقیق و پیچیده را به اجرا در آورد که طی آن و با هماهنگی دولت مرکزی و با همکاری ناصرخان قشقایی، ایل قشقایی در جنوب علیه انگلیس می‌شورید تا باید ترتیب باه خطر افتادن منافع انگلیس، این کشور نیز مجبور به اقدام علیه شوروی شود. با اجرای موفقیت‌آمیز این نقشه که دولت مرکزی نیز در پس پرده با آن هماهنگ بود، دو قدرت رویارویی هم قرار گرفتند تا سرانجام رادیو مسکو در ۴ فروردین ۱۳۲۵ اعلامیه رسمی دولت شوروی مبنی بر خروج ارتش سرخ از ایران را فرائت کرد.^{۲۶}

امریکا و نهضت ملی ایران

پس از پیان جنگ جهانی دوم، امریکا کوین محمله نظامی خود را در سال ۱۳۲۹ ش در ندر شاپور تخلیه کرد و سپس وارد عرصه سیاست‌های رفیقی ایران شد.

ایالات متحده در زمان نخست وزیری دکتر مصدق و ملی شدن نفت ایران، نقش دوگانه‌ای را دارد که این نقشه که در این قدرت بنشاند که چنین نیز شد. در ۱۳۳۲ مرداد ۱۳۳۲ پیش‌پاپیش ایالات متحده در زمان نخست وزیری دکتر ایفا کرد^{۲۷} و همچنین در کودتای ۱۳۳۵ مصادیه شد که در این قدرت بنشاند که چنین نیز شد. پس از پیش‌پاپیش ایالات متحده در زمان نخست وزیری دکتر مصدق و ملی شدن نفت ایران، نقش دوگانه‌ای را دارد که این نقشه که در این قدرت بنشاند که چنین نیز شد. پس از پیش‌پاپیش ایالات متحده در زمان نخست وزیری دکتر ایفا کرد^{۲۸} و همچنین در کودتای ۱۳۳۲ مرداد ۱۳۳۲ پیش‌پاپیش ایالات متحده در زمان نخست وزیری دکتر ایفا کرد^{۲۹} و بر مسند قدرت بنشاند که چنین نیز شد. پس از پیش‌پاپیش کودتا و تثبیت قدرت محمد رضا شاه با اتفاقات کامل در ۴۵ میلیون دلاری را باعنوان کمک فوری در اختیار دولت ایران گذارد.^{۳۰}

نفوذ روزگارون امریکا در ایران

قدرت گرفتن امریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خصوصاً با بسته شدن قراردادهای پرشمار استعمالی، وابستگی کشورمان را به این دولت در زمینه‌های نظامی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی کشور است.

زندگانی ایران

پس از خانمه جنگ وینتمن که از هر حیث برای ایالات متحده خسارت‌های جبران ناپذیری به همراه داشت، دولت امریکا تصمیم گرفت امنیت هر منطقه از جهان را به یکی از متحدهای خویش در آن منطقه بسپارد. لذا با مخالفان شرکت کنندی را که طی آن با انجام اصلاحاتی، زمینه انجام اغراضی را به همراه آورد. آیت‌الله سعیدی که از مخالفان سرخ‌ساخت این کنفرانس بود، دستگیری و در زندان تحت شکنجه‌های غیرنسانی قرار گرفت و به شهادت رسید.^{۳۱} شاه با چنین اقداماتی دست ایالات متحده را تهدید تاراج کشورش کلما باز گذاشت.

پس از خانمه جنگ وینتمن که از هر حیث برای ایالات متحده خسارت‌های جبران ناپذیری به همراه داشت، دولت امریکا تصمیم گرفت امنیت هر منطقه از جهان را به یکی از متحدهای خویش در آن منطقه بسپارد. لذا با مخالفان شرکت کنندی را که طی آن با انجام اصلاحاتی، زمینه انجام اغراضی را به همراه آورد. آیت‌الله سعیدی که از مخالفان سرخ‌ساخت این کنفرانس بود، دستگیری و در زندان تحت شکنجه‌های غیرنسانی قرار گرفت و به شهادت رسید.^{۳۱} شاه با چنین اقداماتی دست ایالات متحده را تهدید تاراج کشورش کلما باز گذاشت.

شاه با نقش جدیدی که پیدا کرد، در جنگ با



گزیده گفتگوهای امام با رسانه‌های جهانی در فرانسه

امريكا از همه بدتر است

چه نظری دارند؟ مخصوصاً امریکایی‌ها؟ و از طرف دیگر همین طور در مورد نفوذ روسها در ایران چه نظری دارید؟ نظرتان راجع به صدور نفت بخصوص به کشورهای اروپا و آلمان غربی چیست؟ پس از این که مردم شما قدرت را به دست گرفتند چه اتفاقی برای شرکت آلمان در صنایع ایران رخ خواهد داد؟

اما راجع به خارجی‌ها؛ آنها که مسغول کارهای عادی هستند به شغل خودشان ادامه می‌دهند و اما آنها که دخالت در مملکت ما می‌خواهند بکنند. - مثل مستشارهای امریکایی - آنها را نمی‌توانیم تحمل کنیم.

■ ۲۴ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه آلمانی دنیای سوم: نفوذ غرب در ایران دارای اهمیت است. مثلاً ۴۰ هزار مستشار امریکایی به طور دائم در ایران به سر بر زندگانی که اغلب در ارتش هستند. سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟

حضور مستشاران نظامی امریکایی در ایران به دنبال سیاست‌های ضداسلامی و ضدملی رژیم ایران است. که علاوه بر هزینه هنگفت آن که بر ملت سنگینی می‌کند. آنان را چنان تسلطی بر ارتش و وفادار مانده است؟ آیا فکر می‌کنید وفاداری ارتش به شاه ادامه خواهد داشت؟ و آیا نیروهای مخالف آنقدر قوی هستند که شاه را علی‌رغم پشتیبانی ارتش به زیر بکشند و سرنگون کنند؟

■ ۶ آبان ۱۳۵۷ - خبرگزاری آسوشیتدپرس: به نظر شما سیاست ایران از این هنگام به بعد درباره وضعیت خاورمیانه چه باید باشد؟ آنچه مسلم است ما ژاندارم منطقه نخواهیم بود.

■ ۲۵ دی ۱۳۵۷ - روزنامه استریت تایمز سنگاپور: آیا تغییری در اتحاد شما با امریکا خواهد داد؟ ما با ملت امریکا روابط دوستانه داریم و با دولت امریکا روابطی برقرار می‌کنیم که به نفع ملت ایران باشند.

دھقانان هم سطح سایر مردم کشور، به حدی رسد که کلیه نیازهای داخلی را برآورده سازد و صنایع موتزار استعماری را که نتیجه آن حداقل سطح زندگی کارگر و افزایش درآمدهای افسانه‌ای افرادی معدود شد. به صنایع مستقل و مطابق نیازهای جامعه تبدیل نماید و در زمینه منابع زیرزمینی مطابق مصالح و نیازهای داخلی با رعایت مصالح بشری در سطح جهانی از آنها استفاده شود.

■ ۴ آبان ۱۳۵۷ - خبرگزاری رویترز: تحلیل شما از قشون ایران چیست؟ چه نقشی را بازی می‌کنند؟

قشون ایران زیر سلطه امریکاست. ماین قشون را نفی خواهیم کرد و به او نقش و وظیفه واقعی اش را که دفاع از کشور است بازخواهیم داد.

■ ۲۴ آبان ۱۳۵۷ - رادیو تلویزیون آلمانی زبان سوئیس:

حضرت آیت‌الله امریکایی‌ها تائیر بسرازی روی ارتش ایران دارند. چرا تابه حال ارتش نسبت به شاه و فادران مانده است؟ آیا فکر می‌کنید وفاداری ارتش به شاه ادامه خواهد داشت؟ و آیا نیروهای مخالف آنقدر قوی هستند که شاه را علی‌رغم پشتیبانی ارتش به

از سال ۱۹۶۳، شاه شما را متهم می‌کند که در مقابله گامهای اصلاحی وی ایستاده‌اید. نخست از انقلاب سفید تا برسد به آنچه او اعطای آزادی (لبیالیسم) نامیده است. رد شما بر این اتهامات چیست؟ برنامه سیاسی و اصلاحی‌ای که شما بدان فرا می‌خواهید و یا وقتی به حکومت رسیدید، به اجرا درخواهید آورد چیست؟

هدف شاه از انقلاب ادعایی اش وایسته کردن هر چه بیشتر کشور به امریکا بود و در زمینه اصلاحات ارضی، آمار واردات سالیانه مواد غذایی این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد و در روزهای نیز فقر دهقانان به حدی رسید که دسته دسته به طرف شهرها هجوم برداشتند تا زندگی در زاغه‌های اطراف شهر و دستمزد تاچیز کارخانه‌ها سد جوع کنند. فلانا برنامه ما این است که کشاورزی کشور با تامین شرایط زندگی

ملت ایران فعالیت نکند؟

■ ۱۰ آذر ۱۳۵۷ - خبرنگار تلویزیون سراسری بی‌بی‌اس امریکا:

امریکایی‌ها چه بلاحایی بر سر شما آورده‌اند که شما به آنها اعتراض می‌کنید؟

دولتهای امریکا بزرگترین جنایتی که به ما کردند این است که این دودمان پهلوی را به ما تحمیل کردند و مخازن مارا بادست آن برداشتند و در عوض چیزی که به درد ملت بخوردند و ارتضیت مارادر تحت حمایت خودشان قرار دادند که بر ضد ملت ماقیم کنند...

در ایران، پاگاه‌هایی درست کردن که مخالف با استقلال مأمور است و ما با وجود حکومت این شاه

چیز زندگی صحیح نمی‌توانیم بکنیم. امریکاست که پشتیبانی از شاه می‌کند و الان هم رئیس جمهوری امریکا پشتیبانی خودش را عالم می‌کند و کرده است.

یک ملتی که برای احراق حق خودش، برای آزادی، برای استقلال قیام کرده است، رئیس جمهوری امریکا می‌تواند اینها را ازین ملت پست و رذلی هستند. این منطق آقای کارتراست.

اصلاحات ارضی فرمایشی

■ ۱۵ آبان ۱۳۵۷ - خبرنگار مجله عربی زبان المستقبل:

از سال ۱۹۶۳، شاه شما را متهم می‌کند که در

مقابله گامهای اصلاحی وی ایستاده‌اید. نخست از تمام این انقلاب به سود امریکا و خرابی ایران بود. کشاورزی مملکت تابود شد و ایران بازار مصرف مواد غذایی امریکا شد. مخازن زیرزمینی از نفت گرفته تا

مس و سایر مخازن همه به نفع امریکا تاراج شده و می‌شود و در عوض سلاحهایی به ایران داده شد که

به درد مملکت نمی‌خورد و زیان دیگر کشش هم تحمیل

بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی با هزینه‌های سرسرم آور آن است که گذشته از این که ارتش ما را از حیثیت اندخته است، تمامی مقدرات کشور را هم به دست آنها سپرده است و به دست همین شاه ایران را پاگاه نظامی امریکا کرده و نیز با پول همین ملت.

به کوشش حسین نوری

امریکا و رژیم شاه که از توزیع سریع نوارهای سخنرانی امام در سطح ایران شگفت‌زده بودند. تنها چاره را در اخراج ایشان از عراق دانستند تا بلکه، دور شدن ایشان از همسایگی ایران، علاوه بر این وضعیت باشد. ولی امام در تصمیمی عاقلانه و خدایی، به مهد تمدن غرب یعنی فرانسه رفت تا در چهارراه پر ترافیک رسانه‌های جهانی، بیان مظلومیت مردم ایران را به گوش عالمیان برساند. آن پیروزندۀ دل، در پاریس با تلاشی وصفناپذیر، ضمن انجام صدھا مصاحبه و سخنرانی، بزودی و قایع انقلاب اسلامی را در صدر اخبار رسانه‌های ناشاند و امریکا را در موضوعی منفصل و منزوی قرار داد. مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مزبور، این ویژگی را داشت که امام با توکل به خدا، در برابر امریکا، شوروی، انگلیس و اسرائیل با صراحت و شفافیت موضوعگیری کرد و در عمل نشان داد که انقلاب ایران به هیچ کانون قدرت جهانی و استنگی ندارد اما در عین حال، نقل سخنان ایشان بر مدار مخالفت با امریکا و نفوذ آن در ایران قرار داشت.

در این بخش با اقدامی ابتكاری، با بهره‌گیری از مجموعه این مصاحبه‌ها (از «صحیفه امام»)،

گزیده‌ای از سوالات رسانه‌های مختلف و پاسخهای

ایشان پیرامون امریکا و ابعاد مختلف دخالت‌ها و

نفوذ آن در کشورمان را بازگو کنیم.

■ ۱۴ آذر ۱۳۵۷ - خبرنگار مجله فردای آفریقا:

آیا دلایل تبعید خودتان را می‌توانید تشریح کنید؟

پانزده سال قبل که شاه قصد داشت، به دستور امریکا، لایحه صونیت مستشاران امریکایی را به تصویب مجلسین برساند. من این خیانت شاه را نسبت به ملت ایران در طی یک سخنرانی و صدور یک اعلامیه، محکوم نمودم و ملت ایران را از این سیاست استعمالی امریکا مطلع ساختم که پس از چند روز مرا از ایران، پس از آن که شبانه به منزل در قم حمله کرdenد، دستگیر و سپس به ترکیه تبعید نمودند.

(۱۷۲/۵)

پیشینه خصوصیت امریکا با ملت ایران

■ ۱۲ آذر ۱۳۵۷ - خبرنگار روزنامه لبنانی السفير: واشنگتن، انقلاب ایران را حرکتی بر ضد مدرنیزه کردن به حساب آورده و با آن مخالفت دارد. موضع شما در مورد فعالیت‌های امریکا بر ضد انقلاب چیست؟

امریکا با کودتای نظامی، مجدد شاه را بر ایران تحمیل کرد و به نام مدرنیزه کردن مملکت، انقلاب امریکایی شاه را به انداخت و دیدیم که نتیجه تمام این انقلاب به سود امریکا و خرابی ایران بود. کشاورزی مملکت تابود شد و ایران بازار مصرف مواد غذایی امریکا شد. مخازن زیرزمینی از نفت گرفته تا مس و سایر مخازن همه به نفع امریکا تاراج شده و می‌شود و در عوض سلاحهایی به ایران داده شد که به درد مملکت نمی‌خورد و زیان دیگر کشش هم تحمیل بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی با هزینه‌های سرسرم آور آن است که گذشته از این که ارتش ما را از حیثیت اندخته است، تمامی مقدرات کشور را هم به دست آنها سپرده است و به دست همین شاه ایران را پاگاه نظامی امریکا کرده و نیز با پول همین ملت. شاه را مامور و زاندارم منطقه در خلیج فارس کرده و اینها هم بخشی از ظلمهایی است که ایران را به ملت ما کرده است. بنابراین، چرا واشنگتن بر ضد انقلاب



دولت پرزیدنت کارتر، اثر نهضت اخیر را در ایران درک کرده است؟ آیا فکر می‌کنید که روابط ایران و امریکا باید تغییر کند و در چه جهت؟ روابط ما با امریکا و همچنان با سایر کشورهای جهان براساس احترام متقابل خواهد بود. ما برای امریکا حق تعیین سرنوشت خود را قائل نخواهیم بود. آنچه تا به حال جنگ است؟ آیا شما انتظار دارید که قوای امریکا و شوروی در ایران مداخله کنند؟ ما تقدیرنا در ایران با امریکا می‌جنگیم. امریکا به هیچ وجه نمی‌خواهد که ملتی قیام کرده است و شاه رانمی خواهد. چرا با حفظ شاه کینه مردم ایران را به خودش افزایش می‌دهد؟ ما هرگز موافق مداخله امریکا و شوروی نیستیم. شوروی نیز چون امریکا همیشه از شاه پشتیبانی کرده است و ما هرگز اجازه هیچ گونه مداخله‌ای را به او نمی‌دهیم. مداخله نظامی خارجی‌ها در ایران سیار بعدی به نظر می‌رسد. نیز نیست به سیاست امریکا نظری منفی است و البته ما حساب ملت امریکا را با دولت امریکا جدا کرده و می‌کنیم و از ملت امریکا می‌خواهیم که از نهضت اسلامی ایران پشتیبانی کنند. روابط فعلی ایران و امریکا روابط اریاب و نوکری است که قطعاً باید به یک رابطه سالم تغییر پیدا کند. (۱۵۷/۵)

رابطه با امریکا - عدم تمایل به قطع رابطه
۱۹ آبان ۱۳۵۷ - مجله امریکایی نیوزولدرپورت:
اگر شاه سرنگون شود، نقشی که ایالات متحده خواهد داشت چه خواهد بود؟ آنچه را که ما از امریکا انتظار داریم این است که به مصالح ملت و استقلال مملکت ما احترام پذیرد و از دخالت در امور مخالفداری کند. (۴۲۳/۶)

حضرت آیت‌الله، آیا خواهان قطع تمام روابط ایران با قدرتهای خارجی هستید یا این که مایل به ادامه این روابط می‌باشید؟ و در صورت قطع روابط، آیا سیاست شما بسیار خشن و مخالف خواهد بود؟ نخیر؛ ما خواهان قطع روابط نیستیم. ما خواهان قطع واستگی‌های ایران به دولت خارجی هستیم که اکنون شاه ایران را وابسته به امریکا و سایر دول کرده است. (۴۶۷/۵)

عدم وابستگی ایران به امریکا پس از انقلاب
۱۶ آبان ۱۳۵۷ - مجله آلمانی اشپیگل:
از گروه کوچک رهبران سیاسی کنونی و سودجویان از این رژیم که بگذریم، در چه مواردی کشور ایران در آینده با اوضاع امروز تفاوت‌هایی خواهد داشت؟

موارد اختلاف ایران فردا را با ایران امروز در پاسخ سوال پنجم شما داده‌ام. در اینجا این نکات را می‌افزایم:

- ۱- رهبری سیاسی از سلطه بیگانه آزاد می‌شود. از فساد مالی و سیاسی پاک می‌شود.
- ۲- اقتصاد کشور از سلطه بیگانه آزاد می‌گردد و دیگر برنامه‌های اقتصادی، برنامه‌هایی نخواهد بود که هدفهای شرکت‌های بین‌المللی را در ایران به‌آجرا بگذارد.

۳- جامعه آینده ما، جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت.

۴- انسانی که امروز در نظام پلیسی از فعالیت‌های فکری و آزادی در کار محروم شده است، تمامی اسباب ترقی، اغراقی و ابتکار را به دست خواهد آورد. جامعه فردا، جامعه ازیباب و منتقدی خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خوبیش شرکت خواهد جست. (۳۵۹/۶)

پانوشت‌ها:

۱- لایحه کاپیتلولاسیون است که در مجلسین سنّا و شورای ملی به تصویب رسید. ۲۸-۲ مرداد سال ۱۳۳۲. ۳- رفاندم ۶ بهمن ۱۳۴۱ که «انقلاب سفید شاه و ملت» نامیده شد.

■ ۷ دی ۱۳۵۷ - کرک کروفت، استاد دانشگاه روتكز امریکا:
آیا ایالات متحده اکنون در ایران در حال جنگ است؟ آیا شما انتظار دارید که قوای امریکا و شوروی در ایران مداخله کنند؟ ما تقدیرنا در ایران با امریکا می‌جنگیم. امریکا به هیچ وجه نمی‌خواهد که ملتی قیام کرده است و شاه رانمی خواهد. چرا با حفظ شاه کینه مردم ایران را به خودش افزایش می‌دهد؟ ما هرگز موافق مداخله امریکا و شوروی نیستیم. شوروی نیز چون امریکا همیشه از شاه پشتیبانی کرده است و ما هرگز اجازه هیچ گونه مداخله‌ای را به او نمی‌دهیم. مداخله نظامی خارجی‌ها در ایران سیار بعدی به نظر می‌رسد.

■ ۹ بهمن ۱۳۵۷ - مصاحبه با مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های جهان:
آیا بختیار را قبل از استعفا خواهید پذیرفت؟ من مکرر گفتم که اصولاً شاه سالیق قانونی نبود. مجلسین قانونی نیست، بختیار قانونی نیست. پس کسی را که قانونی نیست نخواهم پذیرفت. من به ملت ایران توصیه می‌کنم که در این وقت حساس درست بیدار باشند؛ متوجه باشند که توطنه‌ای باید در کار باشند. من می‌بینم که همان کسانی که از شاه سابق طرفداری می‌کردند حالاً از بختیار پشتیبانی می‌کنند هم دولت انگلستان و هم دولت امریکا از او پشتیبانی می‌کنند. اگر این شخص ملی است - همان‌طور که خودش اظهار می‌کند - چرا آنها او پشتیبانی می‌کنند؟ اگر ملی است چرا بدون مجوز اقشاری و برخلاف میل ملت، پست نخست وزیری را اشغال کرده است؟ اگر احترام به آرای عمومی می‌گذارد چرا کنار نمی‌رود؟ (۲۶)

■ ۱۰ آبان ۱۳۵۷ - تلویزیون ان. بی. سی امریکا:
حضرت عالی از نفوذ خارجی‌جان در ایران شکایت داشته‌اید. شما وی را به عنوان بزرگترین خطاطار حقوق بشر خوانده‌اید. (لوموند، ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸) و

وی شما را محکوم کرده است که بیانات کنترل نشده‌ای از یک کشور خارجی صادر می‌کنید که خشونت و حمام خون را در ایران تشویق می‌کند.

■ ۱۱ آبان ۱۳۵۷ - تلویزیون ان. بی. سی امریکا:
ایران آنها امریکا را مدافعاً حقوق بشر است؟ یا این شعاری است که برای انتخاب شدن برای رئیس‌جمهوری امریکا مطرح کرده است؟ یا

■ ۱۲ آبان ۱۳۵۷ - کانال یک تلویزیون فرانسه:
حضرت آیت‌الله، آیا خواهان قطع تمام روابط ایران با قدرتهای خارجی هستید یا این که مایل به ادامه این روابط می‌باشید؟ و در صورت قطع روابط، آیا

■ ۱۳ آبان ۱۳۵۷ - کانال ۱ اعلام پشتیبانی می‌کند و کرده است. ملتی که

■ ۱۴ آبان ۱۳۵۷ - کانال ۱ اعلام پشتیبانی می‌کند که اینها مردم برای ازدای و برای استقلال قیام کرده است

■ ۱۵ آبان ۱۳۵۷ - کانال ۱ رادیو - تلویزیون آلمان:
ایران اینها تنفری نسبت به امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها دارند؛ این نقل قول درست است یا غلط؟ چه دلیلی

■ ۱۶ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
به نظر شما دخالت‌های خارجی که هدفشان سلب آزادی و استقلال می‌باشد کدام است؟

■ ۱۷ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه مسکو و واشنگتن در ایران:
تایید مسکو و واشنگتن از رژیم شاه را چگونه تفسیر و تعبیر می‌کنند؟

■ ۱۸ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
علمون است که اینها بهتر از شاه نوکری پیدا نمی‌کنند که استفاده‌شان را از ایران هرچه زیادتر کند و به ایران خیانت کرده و به آنان خدمت کند. در هر حال، انها خدمتگزاری می‌خواهند و بهتر از شاه کسی نیست. (۴۴۲/۶)

■ ۱۹ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
ایران اینها تنفری نسبت به امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها دارند؛ این نقل قول درست است یا غلط؟ چه دلیلی

■ ۲۰ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
برای این این قدر وجود دارد؟

■ ۲۱ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:

امريكا اعتناني کند و شاه باید برو و غير از اين هیچ راهي نیست، چه امريكا و شوروی بخواهند يا نخواهند. (۴۸۱/۶)

■ ۲۲ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
آیا همچنان با پول نفت می‌خريد؟

■ ۲۳ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
هرگز! ارش ایران هیچ گاه احتیاج به اسلحه‌های کنونی ندارد. مستشاران نظامی امریکایی بر ارش ایران سیطره دارند. ما ارتتش مستقل تشکیل خواهیم داد و زوایدی را که به درد ارش و مملکت و مردم ایران نمی‌خورد حذف خواهیم کرد. مانفت را به هر کشوری که صلاح دانستیم می‌فروشیم و در مقابل یکی‌گیریم نه اسلحه‌هایی که اصلاً به درد ارش می‌خورد و ارتش را درست در اختیار بیگانه قرار دهد. (۴۷۴/۵)

■ ۲۴ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
آیا همچنان با پول نفت می‌خريد؟

■ ۲۵ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
هرگز! ما ایرانی مستقل بنا خواهیم کرد که از زیر

یوغ امریکا و شوروی بیرون آید. شوروی اکنون گاز ایران را می‌برد و امریکا نفت را. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که این دو ابرقدرت بر ایران سیطره پیدا کنند. (۴۷۵-۴۷۶)

■ ۲۶ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
آیا همچنان نظری راجع به حمایت بیدریغ امریکا از شاه دارید؟ آیا شما تماماً دخالت امریکا را در ایران رد خواهید کرد؟ آیا شما در عرض کردن شاه به عنوان یک رئیس مملکت موقق خواهید شد؟

■ ۲۷ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
امريكا تا به حال از شاه دفاع کرده است و به همین جهت دشمن شماره یک ملت ایران است. ما دخالت امریکا را در ایران پایگاه داشته باشد و منابع مارا به یغما ببرد هیچ کس را بهتر از شاه ندارد تا آنچه را که امریکا می‌خواهد. بکند؛ و به همین دلیل است

■ ۲۸ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
در این آنها امریکاست که نفوذ او در همه شوون

■ ۲۹ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
کشورهایی هستند؟ در این آنها از حکومت و دولت آن تنفر دارد. من دخالت امریکا دیگر تقریباً بی‌واسطه است. من می‌ترسم که این دخالت‌ها منتهی به نگرانی ملت ایران از ملت امریکانیز بشود. باید ملت امریکا دوست را وادار کند که در امور داخلی کشور ما دخالت نند که موجب این همه نگرانی و نارامی شده است. (۴۸۸/۴)

■ ۳۰ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
احتمال حمله نظامی به ایران

■ ۳۱ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
روزنامه‌نگار مصری:

■ ۳۲ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
گفته‌اند که احتمال نمی‌رود امریکایی‌ها در ایران

■ ۳۳ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
دخالت نظامی کنند. اگر ارش نتواند با مردم مقابله کند و آنها منافع خود را در خطر قطعی بینند. آیا احتمال دخالت نظامی نمی‌دهید؟

■ ۳۴ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
اینها از هجومهای سباقی که در ایران شده است تجربه آموخته‌اند؛ ملت ایران شده است

■ ۳۵ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
تجربه آموخته‌اند؛ ملت ایران شده است ممکن است پیش ببرد. اما نمی‌تواند باقی بماند. تمامی ملت. آنها را از بین می‌برند. آنها کارشناسان دارند اوضاع را بررسی کرده و می‌کنند و این قضایا را می‌دانند. این کار را نمی‌کنند؛ اگر بکنند کاملاً شکست خواهد خورد. (۴۶۹-۴۷۰/۵)

■ ۳۶ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
نفرت ایرانیان از امریکا و انگلیس

■ ۳۷ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
دوستی ایرانیان از امریکا و انگلیس

■ ۳۸ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:
دیگر نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

■ ۳۹ آبان ۱۳۵۷ - روزنامه یونانی تویاما:

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس

و امریکا که در مقابل این روش دولتها می‌کنند. اینها شکوت کرده‌اند بدین شوند و مافعلاً امریکا و انگلیس و شوروی را دشمن شماره یک مردم خود می‌دانیم؛

کاری نکنید که ملت ایران نسبت به ملت‌های انگلیس



نخست وزیر محبوب امریکا

سهیلا عین‌الله‌زاده



مشورت دعوت شد. او در آخرین تلاش خود برای ورود به صحنه سیاست، پس از طرح شعار فضای باز سیاسی در اوایل سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در پنجم مرداد ۱۳۵۷ با صدور اعلامیه‌ای فعالیت سیاسی خود را شروع کرد. او معتقد بود برای رفع بحران، شاه باید مدت نامحدودی کشور را ترک کند و با انحلال سازمان امنیت، حزب رستاخیز، دربار و مجلسین شورای ملی و سنا بلافضلله انتخابات آزاد برگزار شود. امینی در ماههای اوجگیری انقلاب اسلامی و قبل از پیروزی انقلاب به اروپا بازگشت و در همان جا درگذشت. وی در اواخر عمرش، برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی جبهه به اصطلاح نجات را تشکیل داد که بابت آن، سازمان سیارا ماهی ۱۸۰ هزار دلار سرکیسه می‌کرد.

منابع:

۱. بهزادی - علی. شبه خاطرات / ص ۷۰.
۲. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. خاطرات ارشید حسین فردوس. ۲۷۴-۲۷۵/۲.
۳. عاقلی - باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. ۲۱۸/۱.
۴. علی بهزادی، پیشین. صص ۸۲-۸۳.
۵. صفائی - ابراهیم، چهل خاطره از چهل سال. ص ۳۰۷.
۶. تبریزی شیرازی - محمد رضا، نقش «فریدون تولی» در ادبیات سیاسی و اجتماعی دوران دیکتاتوری «محمد رضا شاهی». صص ۲۴۳-۲۴۴.
۷. عاقلی - باقر، پیشین. صص ۲۲۹-۲۲۲.

نیز ملاقات داشت. او در ملاقات با شاه وی را نسبت به پشتیبانی کامل امریکا و انگلیس از کودتای مذکور مطمئن ساخت و برای همکاری با کرمیت روزولت (فرمانده کودتا) آمده کرد. با وجود محترمه بودن این دیدارها، مطبوعات طرفدار دکتر مصدق، ملاقات نامبرده با شاه را به عنوان «توطهای شینیع» محاکوم کرده و زمینه خروج زودهنگام وی را از ایران فراهم ساختند. سرهنگ نورمن شوارتسکف پدر ژنرال شوارتسکف (فرمانده نیروهای اعزامی امریکا به کویت در سال ۱۹۹۱ به منظور اخراج ارتش عراق از آن کشور) بود. وی در سال ۱۹۵۸ در اثر سلطان ریه درگذشت و در گورستان آکادمی نظامی امریکا مدفون شد.

منابع:

۱. اینترنت. سایت ویکی پدیا.
۲. احیایی - زینب، مستشاران امریکایی در ایران به روایت اسناد اسناد انقلاب اسلامی. ص ۴۴.
۳. گود، جیمز: امریکا در بی خبری (۳۰- ۱۳۲۵ ه. ش).
۴. ترجمه احمد شهسا صص ۹۱-۸۶.
۵. نجاتی - غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۱۳۴۲ مرداد ۱۳۴۰. ص ۳۷۱.

دکتر علی امینی (۱۳۷۱) از جانب پدر - محسن خان امین‌الدوله - نوه فخر الدوله - نوه مظفر الدین شاه^۱ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس رشیه و دارالفنون به پایان رسانید و در ۱۳۰۵ ش برابی ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از اخذ مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه گرونوبل، در ۱۳۱۰ در رشته اقتصاد از دانشگاه پاریس دکترا گرفت و به ایران بازگشت و از طرف علی اکبر داور - وزیر دادگستری وقت - به استخدام آن وزارت خانه در آمد.

سال ۱۳۱۲ با تول و ثوق، دختر وثوق‌الدوله، ازدواج کرد و ثمره این ازدواج فرزندی به نام ایرج شد. در ۱۳۱۴ به وزارت دارایی انتقال یافت و پس از ۶ ماه معاون الیهار صالح ریاست اداره انحصار تریاک شد و پلکان ترقی را به سرعت پیمود و بهزادی به مشاغلی چون ریاست کل گمرک رسید. سال ۱۳۲۱ معاون سیاسی نخست وزیر، احمد قوام شد و به همراه او، حزب دموکرات ایران را تأسیس کرد. امینی از همان زمان مورد توجه خاص امریکا قرار داشت و به عنوان یک مهره وابسته به آن کشور، شهرت یافت.^۲ با تشکیل شورای عالی اقتصاد، در فروردین ۱۳۲۵ دبیرکل این شورا شد و همزمان، ریاست هیات‌مدیره بانک صنعتی و معدنی ایران را که از هم مشاغل اقتصادی آن روز بود بر عهده گرفت. در این زمان امریکا ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای طرحهای عمرانی به ایران وام داد و امینی نیز ریاست اداره کل برنامه ۷ ساله عمرانی را عهده‌دار شد.

او در مجلس پانزدهم با حمایت قوام به نمایندگی تهران رسید و در ۱۳۲۹ در کابینه رجب‌علی منصور وزیر اقتصاد ملی شد که این سمت را مدت کوتاهی در کابینه دکتر مصدق نیز عهده‌دار بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ در کابینه کودتا، وزارت دارایی را عهده‌دار شد^۳ و سرایام قرارداد معروف به «امینی - پیچ» میان دولت ایران و کنسرسیویوم بین‌المللی نفت در ۱۳۳۳ توسعه او و هوارد پیچ که نماینده کمپانی‌های نفتی بود در تهران امضا شد.^۴

پس از سقوط زاهدی و نخست وزیری حسین علاء، امینی مجدداً به وزارت دارایی منصب شد و پس از مدت کوتاهی وزارت دادگستری را بر عهده گرفت. پس از آن در ۱۳۳۴ برای جلب ممکنگاری امریکا به سمت سفیر کمپانی امریکا برقرار کرد.^۵ در ۱۳۳۷ به ایران برگشت و به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد و پس از استعفای جعفر شریف‌امامی از نخست وزیری در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ با حمایت امریکایی‌ها به صدارت رسید. از جمله اقدامات جنجالی امینی وارد کردن چند چهره چیگرا مانند دکتر حسن ارسنجانی، نورالدین الموتی و محمد درخشش در کابینه، بازداشت تنی چند از رجال و مقامات سیاسی و نظامی رژیم و اعلام آزادی احزاب بود. در همین دوره تظاهرات خونین دانشگاه در بهمن ۱۳۴۰ ش و میتینگ صدهزار نفری جبهه ملی در میدان جلالیه (پارک لاله امروز) اتفاق داشت.^۶ اقدامات امینی، شاه را نگران وضعیت خود ساخت و لذا محمدرضا در سفری به امریکا، کنندی، رئیس جمهور امریکا را قانع کرد که دست از حمایت امینی بردارد تا در عوض، خود شاه، اصلاحات اجتماعی - اقتصادی موردنظر امریکا را تحت عنوان «انقلاب سفید» اجرا کند. در این هنگام امینی بر سر بودجه ارتش با شاه اختلاف پیدا کرد و در ۲۶ تیر ۱۳۴۱ ش استعفا داد و به اروپا رفت و از صحنه سیاسی ایران خارج شد و در طول صادرات علم، منصور و هویدا در ایران نقشی نداشت. هنگامی که دولت جمشید آموزگار با بحران مواجه شد امینی از طرف شاه برای

مناسبات امریکا با ایران، در دوران پهلوی هیچ گاه از موضع برابری و اخترام متقابل نبود و محمدرضا پهلوی و بسیاری دیگر از رجال و مسوولان کشوری و لشگری به طور روزافزون در صدد حفظ منافع آن کشور در این منطقه حساس بودند.

در این بخش برآئیم که با بعضی از رجالی که در تنظیم روابط با امریکا و حفظ منافع آن کشور در ایران نقش قابل توجهی داشتند به اختصار آشنا شویم.

علی امینی از دولتمردانی است که در دوره ریاست جمهوری کنندی بنایه اقتضای سیاست‌وزیری است که در مسند نخست وزیری تکیه زد.^۷ نقش آخرين دیگر، حسن ارسنجانی، از نزدیکان قوام‌السلطنه در دهه ۲۰ و ۳۰ است که در زمان نخست وزیری امینی، به وزارت کشاورزی منصوب شد تا برنامه «اصلاحات ارضی» را که از برنامه‌های مهم امریکایی‌ها بود به اجرا درآورد.

اما از سوی دیگر بعضی دولتمردان امریکایی هم در ارتباط با ایران نقش آفرین بودند و نام آور شدند. کرمیت روزولت از عوامل سازمان جاسوسی امریکا بود که نقش مهمی در اجرای طرح کودتای ۲۸ مرداد ایفا کرد و از همین روز به حرجه باران و ووستان نزدیک پهلوی دوم پیوست. سرهنگ نورمن شوارتسکف نیز یک نظامی امریکایی بود که برای تحکیم و تثبیت منافع امریکا در ایران فعالیت کرده و در کودتای ۲۸ مرداد نقشی باز داشت. در این میان اما بسیاری از مردم ایران نیز با این روابط یکسوزی امریکا که براساس سلطه پایه‌ریزی شده بود، به مخالفت برخاسته و حتی در این راه جان خود را در شکنجه‌گاه‌های سواک از دست دادند. آیت‌الله محمد رضا سعیدی از جمله مهمترین این افراد بود.



پیک تباہی

ویدا معزی نیما

هربرت نورمن شوارتسکف در ۲۸ اوت ۱۸۹۵ در نیویورک چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد آکادمی نظامی ایالات متحده امریکا واقع در وست پوینت شد و با درجه ستوان دومی سواره نظام فارغ‌التحصیل و در سال ۱۹۱۷ با درجه سروانی توپخانه به فرانسه رفت.

۴ سال بعد، پس از اخذ درجه سرهنگی به امریکا بازگشت و ریاست پلیس ایالت نیویورک را بر عهده گرفت. وی به عنوان افسر سواره نظام و فرماندار نظامی، شخصاً اولین گروه ۲۵ نفره پلیس سواره ایالتی را آموزش داد و سازمان پلیس ایالتی را با دو نوع گروهان. یکی گروهان شمالی موتورسیکلت سواره به منظور کنترل مواد مخدوش شهر نیویورک و دیگری گروهان جنوبی اسپ سواره وزیر مختار امریکا به منظور تجدید سازمان ژاندارمری با سمت رئیس هیات مستشاران ژاندارمری وارد ایران شد. نیرو را ترک کرد و سال ۱۹۴۰ ش در

پیوست.

۱. سال ۱۳۲۲ ش. به دنبال عقد قراردادی بین محمد ساعد وزیر خواهش اشرف پهلوی به نتیجه مظلوب نرسید، شوارتسکف روز اول اوت ۱۹۵۳ برابر با ۱۰ مرداد ۱۳۲۲ به بیانه «سفر جهانگردی و یاری از گروهان خارج و لوی گ. دریفوس دوست از دادخواه ایرانی وارد تهران شد و محروم شد. تا اینجا ترجمه احمد شهسا صص ۹۱-۸۶.

۲. نجاتی - غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران همچین با سرشنگ راهدی و سرشنگ حسن ارفع و کودتای ۱۳۴۲ مرداد ۱۳۴۰. ص ۳۷۱.



پرونده

محrij اصلاحات امریکایی

سکینه کریمی



حسن ارسنجانی در ۱۳۰۱ ش در تهران به دنیا آمد. پدرش سید محمد حسین ارسنجانی یک روحانی مشروطه‌خواه از اهالی ارسنجان فارس بود که همراه نیروهای بختیاری برای اعاده مشروطیت به تهران آمد.

وی دوره ابتدایی را در دبستان پهلوی و دوره متوسطه را در مدرسه سن‌لوئی گذراند. در ۱۳۲۱ از دانشگاه تهران مدرک کارشناسی در رشته حقوق گرفت و در ۱۳۳۵ از پایان نامه خود با عنوان «حاکمیت دولتها در سازمان‌های بین‌المللی» دفاع کرد. وی هنگام تحصیل در دوره کارشناسی در پانک کشاورزی مشغول به کار شد و در همان زمان، تهیه طرح تأسیس تعاوی‌های روستایی را بر عهده گرفت. او پس از تأسیس تعاوی‌های روستایی به ریاست آن رسید و اولین مرحله طرح را در منطقه دماوند به اجرا درآورد. شاید این اولین تحریره ارسنجانی در مواجهه با مشکلات اساسی الگوهای اجراء زمین بود.^۱

پس از متولدی به فعالیت مطبوعاتی روی آورد. وی فعالیت خوبی نیز داشت و از جمله در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، نخست به حزب میهن پرستان و سپس به حزب پیکار پیوست. پس از آن که قوام‌سلطنه حزب دموکرات ایران را در ۱۳۲۵ تأسیس کرد، ارسنجانی به این حزب پیوست و در حلقه نزدیک ترین مشاوران قوام فرار گرفت. با سقوط دولت قوام، ارسنجانی بیشتر به کار و کلت پرداخت. هنگام نخست وزیری زم آرا به نزدیک شد و از مشاوران وی بود. در این هنگام و برای حل مساله اراضی، از طریق فروش اراضی خالصه به کشاورزان، طرحی عرضه کرد. ارسنجانی در دوره نخست وزیری مصدق در زمرة مخالفان وی بود و بر ضد دولت ملی فعالیت کرد.

پس از استعفای محمد مصدق و نخست وزیری احمد قوام در ۲۷ تیر ۱۳۳۱ ارسنجانی به معاونت سیاسی و سرپرست انتشارات و تبلیغات نخست وزیری منصوب شد. این مقام چندان نپایید و با قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دولت قوام سقوط کرد. ارسنجانی در تیر ۱۳۳۱ کتابی با عنوان «یادداشت‌های سیاسی سی ام تیرمهه ۱۳۲۱» در دفاع از قوام در کشته مرمد منتشر ساخت.^۲

همزمان با انتخابات دوره بیستم مجلس، به همکاری با اعلیٰ امیتی پرداخت و در دولت او به وزارت کشاورزی رسید. حسن ارسنجانی در غیاب مجلس، مهمترین برنامه وزارت کشاورزی را اصلاحات ارضی قرارداد که به مهمترین برنامه دولت امینی نیز بدل شد.

او در کابینه اسحاق‌الله علم در وزارت کشاورزی ابقا شد. لکن این مسؤولیت چندان نپایید و چندی بعد، کنار گذاشته شد.^۳ ساواک در یکی از گزارش‌های خود، ارسنجانی را با سیاست‌مداران وابسته به انگلیسی می‌داند که به ظاهر مخواست خود را به امریکانزدیک کند. او در ۱۱ خرداد ۱۳۴۸ در سن ۴۷ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.^۴

منابع:
 ۱. علی بهزادی، شبه‌خطارات، ۲۶ - ۲۴ - ۲۱. ناصر نجمی، بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمدرضاشاهی، ص ۴۰ - ۳۹ - ۳۰ و محمود طوعی، چهره‌ها و یادها، ص ۲۸۸.

۲. دولتهای ایران از میرزا ناصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۳۰۳. ۴. ابراهیم صفی، چهل خاطره از چهل سال، ص ۳۱۱ - ۳۱۰.

می‌دانست. لذا در نامه‌ای به علماء و مراجع وقت یادآور شد: جقدر جای تعجب است که شما پیشوایان دینی در مقابل این خطر بزرگ سکوت اختیار کرده و برای جلوگیری از آن اقدامی نمی‌کنید.^۵

سعیدی همچنین با گروه‌های سلفی و وهابی مأب که به ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برای خاموش کردن چراغ نهضت در سطح تهران و ایران فعال شده بودند و در خفا با رژیم شاه هم‌hangی داشتند، به مقابله پرداخت تا سواک و دشمنان اهل بیت به مطامع شوم خود نائل نشوند.

پس از این وقایع سواک که از وجود او احساس خطر می‌کرد در روز ۱۱ خرداد ۱۳۴۹ ساعت یک بعدازظهر به منزل ایشان هجوم آورد و پس از وارسی خانه، مشارالیه را با خود به زندان قزل قلعه برد و در سلول انفرادی بارداشت کرد و با شکنجه قصد اعتراف گرفتن داشت که موقن نشد. به همین خاطر تصمیم به قتل آن آزادمدد گرفت تا برای سایر مبارزان ضرب شستی باشد.

شب پنجمینه ۲۰ خرداد ۱۳۴۹ برق زندان

یکباره برای دقایقی فقط شد و چند نفر داخل

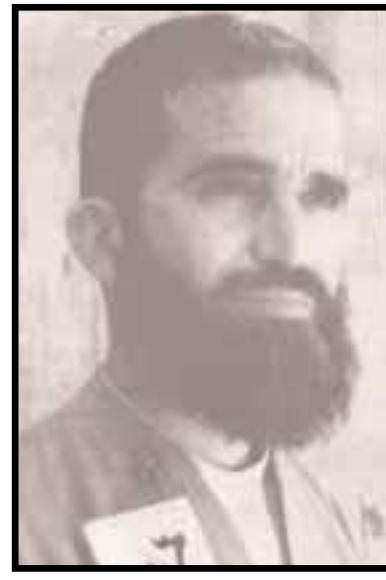
سلول ایت الله سعیدی شدند و پس از خروج

ماموران برق روشن شد در حالی که آیت الله

سعیدی با وضع غیرعادی در گوشه سلول با عمامه به دور گردن حلقه زده شده افتاده بود.^۶

منابع:

۱- ایران امام به روایت اسناد سواک. شهید آیت الله سید محمد مرضا سعیدی اسلام کارشناسی در ۱۳۷۶. ص ز-۲- ایران و ایرانیان. خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین و پلر بنجامین. به اهتمام رحیم رحیم‌زاده ملک تهران. گلستان. چ ۹ - ۳- منبع شماره ۱. ص ۳۴ - ۴- دیدار با ابرار. شهید سعیدی تهران - سازمان تبلیغات اسلامی . سال ۱۳۷۷. سید محمد سعیدی. ص ۲۳ - ۵- همان منبع ۱. ص خ



در معرض سقوط و نابودی قرار می‌داد. در ۷

اردیبهشت ۱۳۴۹ روزنامه‌های ایران اعلام کردند

کفر و هیلیاتالله به منظور بررسی امکانات

سرمایه‌گذاری در ایران به اتفاق بزرگترین

سال ۱۳۴۵ به مسجد موسی بن جعفر(ع) در شرق

تهران وارد شد و آن را به یکی از کانون‌های مبارزه

علیه رژیم شاه تبدیل کرد. مبارزات ایشان در قالب

عظ و خطبه و نوشته اعلامیه ادامه داشت و به

همین لحظه چندین مرتبه از طرف سواک

بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. اما سال

۱۳۴۹ هجوم اقتصادی امریکا به ایران به اندازه‌ای

بود که استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را به کلی

آیت الله سید محمد رضا سعیدی، دوم اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ در منطقه نوغان مشهد در خانواده علم و فقاهت و سیاست دیده به جهان گشود. پس از طی دروس مقدماتی رهسپار می‌شد و از محضر آیت الله بروجردی تلمذ کرد. در این هنگام آواره مجتهدی والامقام به نام حاج آقا روح الله موجب شد تا آیت الله سعیدی را به محضر درش بکشاند و بدین ترتیب گمshedه خود را ببابد و از همین زمان تلاش‌های سیاسی او شروع شد.^۷

او می‌کوشید روحانیون و علمای را که در خارج از کشور به سر می‌برندند با امام مرتبط سازد و از این طریق اندیشه امام خمینی را به آن سوی مزه‌ها بکشاند.^۸

در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در کوتیت بود و با نوشتن نامه و ایراد وعظ و خطبه از حکومت شاه انتقاد می‌کرد و با آن که از حضور ماموران امنیتی شاه در حسینیه‌ای در کوتیت خبر داشت، در سخنرانی خویش، دستگاه شاه را به باد انتقام گرفت.^۹

پس از بعیدی، آن روحانی پاکباز با سختی خود را به نجف رساند و مدتی در کنار امام بود تا این که در

سال ۱۳۴۵ به مسجد موسی بن جعفر(ع) در شرق

تهران وارد شد و آن را به یکی از کانون‌های مبارزه

علیه رژیم شاه تبدیل کرد. مبارزات ایشان در قالب

عظ و خطبه و نوشته اعلامیه ادامه داشت و به

همین لحظه چندین مرتبه از طرف سواک

بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. اما سال

۱۳۴۹ هجوم اقتصادی امریکا به ایران به اندازه‌ای

بود که استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را به کلی

کودتاچی

ظاهره شکوهی



«سیا» در منطقه، کرمیت دست

مشغول کار شد. در سال ۱۹۶۴ یک شرکای کنسرسیوم نفت ایران

براندایزی ملک فاروق و کودتای

تجیب ناصر اشاره کرد.

پس از تصویب طرح آزادسکس -

نمایی که برای عملیات کودتای با

مرداد برگزیده شده بود. روزولت به

عنوان فرمانده عملیات انتخاب شد.

وی در ۷ روئیه ۱۶ / ۱۹۵۳ تیر ۱۳۳۲ با گذرنامه جعلی به نام جیمز ف

لکریج از مز عراق وارد ایران شد و

وی همچنین مشاورت اردشیر

زاهدی سفیر ایران در ایالات متحده

خدماتی او به نام «دون اندرزولت»

طی سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۷ بابت

خدماتی که برای دولت ایران انجام

می‌داد مبلغ ۱۱۶۰۰۰ دلار دریافت

کرد.

کرمیت پس از کودتای ۲۸ مرداد

روابط بسیار نزدیک و دوستی

روزولت با شاه دیدار کرد. روزولت

طی سه یا چهار ملاقات ایرانی به شاه

داشت، او را از برنامه کودتا آگاه

فضل الله زاهدی را از وی دریافت

کرد. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۹۴۴ روزولت

به شهرت رسید و به نام «آقای ایران»

در مطبوعات عرب معروف شد.^{۱۰}

پس از کودتا، پیوند کرمیت با

ایران قطع نشد بلکه ابعاد دیگر یافت.

ایرانیان سفر بعدی در

تایستان ۱۳۲۵، یعنی در اوج حوادث آذربایجان بود.

در سال ۱۹۴۲ مسؤول «اداره خاورمیانه» در «اداره خدمات استراتژیک» (OSS) شد. اولین سفر

او به ایران در سال ۱۹۴۴ / ۱۳۲۲

به تدریس پرداخت. وی از نخستین

کسانی بود که در سازمان اطلاعاتی

ویژه رئیس جمهور (دفتر ویلیام

دونوان) مشغول به کار شد. اولین

کار او در آن سازمان، پژوهش

پیرامون ایران بیوئیه قشایه‌ها بود و

این تحقیق سرآغاز پیوند وی با

تاریخ معاصر ایران بود.

در سال ۱۹۴۲ مسؤول «اداره خاورمیانه» در «اداره خدمات

استراتژیک» (OSS) شد. اولین سفر

او به ایران در سال ۱۹۴۴ / ۱۳۲۲

به تهران رسید و به نام «آقای ایران»

تهران» صورت گرفت. سفر بعدی در

تایستان ۱۳۲۵، یعنی در اوج حوادث

آذربایجان بود.

با تاسیس سازمان «سیا» کرمیت

به عنوان کارشناس خاورمیانه به آن

پیوست و ریاست «اداره خاورمیانه»

آن را به عهده گرفت. از آن پس در

بسیاری از اقدامات توطئه گرانه

معاون کمپانی نفت «گلف اویل» از



به کوشش رزیتا میری

ایران از دوره قاجار
همواره به نیاز نیروی
سومی بود که بتواند در
مقابل مطامع دو همسایه
قدرتمند یعنی روس و
انگلیس موازنه ایجاد کند.
کوئوتا، گاه فرانسه و
گاه آلمان و اتریش را به
عنوان نیروی سوم در نظر
گرفته است ولی این کشورها

هیچ گاه نتوانستند آن
تعادلی را که ایران انتظار
داشت برآورده کنند.
کشور بعدی که ایران
بدان چشم دوخت امریکا
بود. آمدن مورگان شوستر
مستشار اقتصادی اولین
جرقه بود. ولی رقبایان طماع
(روس) با دادن او تیماتوم.

اولین حرف را از ایران
پراورد. البته انگلیس نیز
چندان از حضور این رقیب
جدید رضایت نداشت
چنان که در قضیه امتیاز نفت
شمال با ایجاد واقعه
سقاخانه شیخ هادی و

کشتان مازوی ایمبری
کنسولیار سفارت امریکا
خطر حضور حریفی
قدرتمند در نفت ایران را
منتفی ساخت و به دنبال آن
شرکتهای امریکایی از ایران
رفتند.

جنگ جهانی دوم برای
امریکایران افقی جدید را باز

کرد. قدرت این کشور بسیار
افزاش یافته بود و عنوان
کشوری آزادبخواه را بدی
می کشید به طوری که حتی

دکتر مصدق نیز در واقعه
ملی شدن نفت از این کشور
استمداد کرد. استمدادی که
بعد به کودتا ۲۸ مرداد

منجر شد اما برخلاف
گذشته این بار امریکا عامل
کودتا بود و همکارش
استعمار پیر، سمت
دستیاری داشت. از این
زمان عدمه روابط ایران چه

در زمینه سیاسی و چه

اقتصادی با امریکا بود و کمتر

سویی از این خوان نعمت

به استعمارگران سابق

می رسید.

انقلاب اسلامی دست
امریکایران را از ایران کوتاه
کرد و این کشور را در کنار
انگلستان نشاند.





دلایل سقوط شاه از دید کیسینجر



در کنفرانس ۲ هزار نفری سران جمهوری خواه امریکا کیسینجر سقوط شاه ایران را بزرگترین شکست امریکا پس از جنگ جهانی دوم دانست. خبرگزاری یونایتد پرس در این باره چنین می‌نویسد: [کیسینجر] سقوط شاه مخلوع را یک شکست استراتژیک مهم برای سیاست خارجی امریکا توصیف کرد و آن را ناشی از فقدان قاطعیت در دولت کاتر دانست... [او] چهار مورد کوته‌هایی را در سیاست خارجی امریکا برشمرد و اضافه کرد که این نقایص سبب سقوط شاه به وسیله انقلابیون متعدده ایران شد:

۱. رفورم‌هایی که به قدرت بسیج اطلاعاتی سازمان سپا در ایران لطمه زد و هر کوششی را برای تشییت سیاسی شاه از طریق مکملهای پنهانی ضایع کرد.
 ۲. تاکید بیش از حد دولت کاتر بر حقوق بشر که در جریان یک دوران دشوار سیاسی بر شاه فشار شدیدی وارد آورد.
 ۳. بی‌شایسته وایجاد «الله بحرانی» که از ایران تاشخ آفریقا را فرا گرفته بود...
 ۴. کم توجهی کارتر به بحران ایران که موجب ابهام‌های زیادی نسبت به حمایت امریکا از شاه شد. اگرچه کیسینجر نخواست بگوید چگونه ممکن بود از سقوط شاه جلوگیری کرد. اما گفت محدود شدن اختیارات سیا توسط سنای امریکا قدرت اجرایی امریکا را کم کرده بود.
- روزنامه اطلاعات، دوم خرداد ۱۳۵۸، ص ۱.

شان نزول لقب « حاجی واشنگتن »



مراسم قربانی کردن گوسفند در سفارت ایران توسط حسینقلی خان صدرالسلطنه نخستین سفير ایران در ایالات متحده امریکا، معروف به حاجی واشنگتن مشکلاتی ایجاد کرد:

آن روز، یکشنبه و تعطیل عمومی بود. مردمی که از پیاده رو عبور می‌کردند و برای انجام مراسم روز یکشنبه عازم کلیسا بودند ناگهان با جریان باریکه‌ای از خون در سطح پیاده رو مواجه شدند که از ناودان ساختمان بیرون می‌زد. یکی از عابران وحشت‌زده به طرف چهارراه بعدی که از دور دو مامور پلیس سرگرم کشیک در آن قسمت بودند دوید تا جاری شدن خون در پیاده رو را به اطلاع آنها برساند. از مغاره کناری ساختمان سفارت هم به اداره پلیس تلفن شد و هنوز حاجی مقدمات باد کردن گوسفند و کنند پوست آن را فراهم نیاورده بود که اکنی از ماموران پلیس ساختمان را به محacre خود درآورده‌اند.

پلیس‌ها از پایین به خوبی به آنچه که در بالکن ساختمان می‌گذشت، مسلط نبودند فقط می‌دیدند که مردی در آن بالا سرگرم کارهای است و خون هم از ناودان همان بالکن سرازیر شده است. دیگر شکی باقی نمانده بود که جنایتی در آن بالا روی داده است. پلیس‌ها را پلکان را در پیش گرفتند و به طبقه سوم ساختمان رسیدند و بدون آن که بدانند این محل مصنوبت سیاسی دارد و سفارت دولت فیلم ایران است وارد آن شده و با کمال تعجب دیدند که مردی در حالی که پارچه قرمزی به خود بسته است سرگرم باد کردن زیر جلد گوسفندی است تا آن را پوست بکند!

قبل از آن که پلیس‌ها از تعجب بیرون بیاند و حرفي بزنند، حسینقلی خان رو به آنها کرده اظهار داشت که من سفیر کبیر ایران هستم و این محل هم سفارت دولت متبع من است... (ص ۹۶۰)

نشویق صدرالسلطنه توسط ناصرالدین شاه حاجی واشنگتن خان صدرالسلطنه اولین سفیر ایران در امریکا شرح واقعه قربانی کردن گوسفند در روز عید قربان را که باعث تعجب وحشت امریکاییان و پلیس شده بود گزارش می‌کند که نشربات امریکا به طور مفصل به آن پرداخته بودند: حاجی، شرح مأونع را همراه با بریده‌های جراحت امریکایی و روزنامه‌های واشنگتن برای ناصرالدین شاه قاجار ارسال داشت و شاه قاجار هم از این که سفیر، نام ایران را به جراید امریکا کشانیده و موجب شناساندن مراسم مذهبی به مردم و بسط آن در «دیار کفر» گردیده است حسینقلی خان معمتمدالوزرا را به لقب « حاجی واشنگتن » مفتخر ساخت و جبه و دستاری هم برای او در نظر گرفت. (ص ۹۲)

اسکندر دلم، حاجی واشنگتن

شکست مفتضحانه



برای آزادسازی گروگان‌ها عملیاتی تحت عنوان «نیروی دلتا» در صحرای طبس ایران انجام شد که با یک اتفاق غیرمنتظره شکست سختی برای دولت امریکا به دنبال آورد. رئیس‌جمهور کارتر پس از شکست در طبس ساعت ۷ صبح روز جمعه ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ خطاب به

ملت امریکا چنین گفت:

یک عمل شجاعانه برای نجات ۵۳ نفر امریکایی در تهران که مدت ۱۷۳ روز به گروگان گرفته شده‌اند صورت پذیرفت. اما الجام آن منجر به یک فاجعه دردناک شده است. در این ماموریت نظامی، هشت کماندو که برای رهای گروگان‌ها همچنان کشته شدند، چهار نفر دیگر بشدت سوختند و گروگان‌ها همچنان در اسارت اندوه‌بار خویش باقی مانده‌اند. یوسف مازنی، ایران، ابرقدرت قرن؟ به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ص ۱۳.



آسیه آل احمد

ایران خسته از فشار روس و انگلیس، دولتمردان خود را واداشت تا برای تعديل و شاید تضعیف این دو قدرت پای کشور ثالثی را در ایران به میان بکشند و در پی همین سیاست بود که کم کم امریکا ابتدا با حضور هیاتهای مذهبی، درمانی و آموزشی خود وارد کشور شد و سپس مستشاران مالی و نظامی و... خود را وانه این کشور کرد و کشور ایران را به پایگاه مطمئن خویش در منطقه مبدل ساخت و سرمایه‌های این کشور غنی را به غارت برد.

این روند تا آغاز انقلاب اسلامی ادامه داشت. ولی پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی با تمام تلاشی که امریکا برای حفظ روابط کرد، با پیام قاطع امام خمینی در همان اوین روز ورود خود به کشور که فرمودند: «من توی دهن امریکا می‌زنم». تکلیف این دولت روش و ریشه این کشور از ایران بریده شد و تلاشهایی که امریکا برای آزادی گروگان‌ها انجام داد، روابط را تیره‌تر کرد. همچنین امریکا در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران به حمایت علنی از عراق پرداخت و خشم ملت ایران را بیش از پیش برافروخت.

کماکان نیز این تاخی روابط باقی

است. در این بخش کوشیدیم،

محترصی از این وقایع را به نقل

از دست اندکاران و محققان

ایرانی و خارجی به علاقه‌مندان

تقدیم کنیم.

کودتا امریکایی- انگلیسی



چنین شرح می‌دهد.

امریکایی‌ها واقع‌قصد داشتند یک افسر واحد شرایط را جاگزین مصدق کنند ولی ما آنها را راهنمایی کردیم و گفتیم که هر چه جستجو کردایم در ایران افسری که مورد قبول همه ارتش باشد وجود ندارد و لذا بهترین کل این است که شاه به ایران بازگردانیده شود. زیرا هیچ فردی موقعیت اورایین افسران ندارد. امریکایی‌ها پذیرفتند و لذا در مردم با تماس گرفتند و ترتیب حرکتش را به تهران دادند. او افزود: ما بودیم که امریکایی‌ها را به انجام کودتا ترغیب کردیم و گفتیم که اگر دیر بخوبیم در ایران یک کودتا کمونیستی پیروز می‌شود و لذا برای نجات ایران باید مصدق برکنار شود و شاه را بازگرداند و امریکایی‌ها نیز نظر مارا پذیرفتند.

ارتشبید حسین فردوست در خاطرات خود اشاره به

ملاقاتی دارد که با رئیس-۶ M-۱۳۳۲ مرداد ۲۸ و بازگشت مجدد شاه به ایران داشته و سیاست امریکا و انگلستان را در این زمینه

نیروی سوم

فریدون آدمیت ساقیه مناسبات سیاسی ایران و امریکا را از زمان امیرکبیر می‌داد و معتقد است که امیر برای تعديل نفوذ روس و انگلیس در ایران حضور بین‌الملل زمان آشکار می‌کند. امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۳

یکی از جهات عمومی سیاست امیر این بود که روابط خارجی ایران را از دایره انحصار مناسبات با روس و انگلیس خارج سازد و با دیگر کشورهای مغرب زمین توسعه دهد. در این راه روابط ایران و امریکا را آغاز نهاده... و این خود حد افق فکری امیر را در مفهوم سیاست بین‌الملل زمان آشکار می‌کند. امیرکبیر و ایران، ص ۵۷۳

رفسنجانی در این زمینه می‌گوید: یکی از هوایپهایی که برای ماز کشورهای اروپایی اسلحه می‌آورد اجازه عبور گرفت که وارد شود و اسلحه‌اش را در فرودگاه مهرآباد تخلیه کند که البته اسلحه‌اش برخی از نیازهای نظامی پیچیده ما بود و کسانی که به عنوان خدمه هواپیما اجازه ورود گرفته بودند پنج نفر بودند... آنها در اصل این بود که بیانند آن یخهای سردی که در روابط دو ورود اسلامی ایرانی به ماده بودند. وقتی که هواپیما وارد فرودگاه مهرآباد شد به ما اطلاع دادند که این آقایانی که در فرودگاه از هوایپیما پیشیدند می‌گویند. ما امریکایی هستیم و برای مسرولان کشور ایران از آقای ریکان و مسرولان امریکایی آورده‌ایم که مافوری با روسای قوا جلسه تشکیل دادیم و گفتیم این آقایان را غلاد در فرودگاه توپیک نکنید تا بیانیم مساله آنها چیست.

آنها در فرودگاه معطل شدند تا متوانستیم تصمیم بگیریم و خدمت امام مساله را عرض کردیم و امام فرمودند که با آنها صحبت نشود و پیام آنها را نگیرید و بینید که آنها کی هستند و برای چه به ایران آمدند؟ آنها را به هتل منتقل کردیم. مشاور امنیت ملی اش رایا کبیک و کلت و انجیل و با همیت جعلی روانه ایران کرد. آنها را به هتل اسکندریه کشیدند و امام امت آن را با دست خالی روانه کشیدند. اسکندریه در هتل ادعای کردند که آقایان را غلاد در فرودگاه پوشیدند. و یکی دو نفر دیگر از مشاورین ریکان در بین این

کیکی به شکل کلید



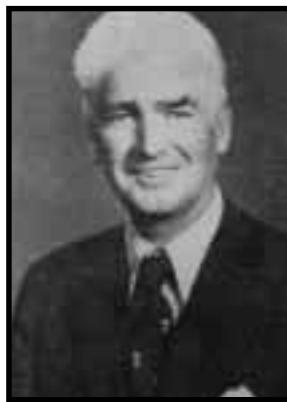
رونالد ریکان که با شعارهای ضدایرانی تواست در انتخابات ریاست جمهوری امریکا بر جیمی کلتر غلبه کند. اندکی پس از رسیدن به قدرت با مشکلات بسیاری که در مسیر مبارزه با ایران بر سر راه او قرار داشت برخورد کرد و کلافه شد لذا از در صلح و دوستی درآمد و مشاور امنیت ملی اش رایا کبیک و کلت و انجیل و با همیت جعلی روانه ایران کرد. آنها را به هتل اسکندریه کشیدند و امام امت آن را با دست خالی روانه کشیدند. اسکندریه در هتل ادعای کردند که آقایان را غلاد در فرودگاه پوشیدند. و یکی دو نفر دیگر از مشاورین ریکان در بین این

بزرگترین اشتباه من

شاه در آخرین مصاحبه‌های خود که با کاترین گراهام، مدیر موسسه مطبوعاتی واشنگتن پیسٹ انجام داده دخالت امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران اعتراض می‌کند:

برگترین اشتباه من این بود که به جای این که خود درباره مسائل داخلی کشور تصمیم بگیرم، به مشورت با امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها پرداختم و به توصیه‌های غلط و متضاد آنها گوش فرا دادم.

زینب ایتائی، مستشاران امریکایی در ایران به روایت اسناد، ص ۱۵



موافقت انگلستان



وزیر مختار انگلستان در خاطرات خود اوضاع کشور پس از خروج رضاشاه و دلیل حضور امریکایی در ایران را چنین توصیف می‌کند:

پس از خروج رضاشاه از ایران، گویی مرکز ثقل همه امور مملکت از بین رفته است. مسائل و مشکلات موجود به سرعت رو به افزایش نهاد. من در فوریه ۱۹۴۲ نظر خود را درخصوص بهره‌گیری از متخصصان کارآزموده خارجی با دولت ایران در میان نهادم و با موافقت دولت انگلستان، دولت ایران تصمیم گرفت از وجود مستشاران امریکایی برای حل مشکلات کشور استفاده کند.

شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، صص ۸۵-۸۶

خوبهای مژور

به دنبال قتل مژور ایمیری، فروغی با کاردار سفارت امریکا ملاقات کرد و پس از اظهار تاسف، عده مجازات مجرمین و پرداخت خوبهای مژور را به قرار زیر اعلام نمود:

بالاخره قرار شد مبلغ ۶۰ هزار دلار از این بابت به ورثه مژور ایمیری پرداخته شود و همچنین مبلغ یکصد هزار دلار هزینه یک فرونده کشتی جنگی از امریکا به ایران برای حمل جنازه مژور مقتول به امریکا پرداخته شود. در بادی امر، سفارت امریکا خیلی نسبت به موقع این حادثه با نظر تردید می‌نگریست و بعدها که مدتی از این قضیه گذشت دولت امریکا به دولت ایران پیشنهاد کرد که مبلغ یکصد هزار دلار را در بکی از بانکهای امریکایی گذارد از منافع آن همیشه سه نفر محصل ایرانی در امریکا تحصیل نمایند.

ولی بعدها دولت ایران متوجه شد که اگر چنین پیشنهادی را پذیرد برای ملت ایران باعث سرافکنندگی است. بنابراین از اعزام محصل به امریکا از آن محل صرف نظر شد.

حسین مکی، تاریخ ۲۰ ساله ایران، ۱۰۵/۳

مشهورترین چهره سیاسی

سولیوان سفیر وقت امریکا در ایران، امام خمینی و موضعش را در مأموریت در ایران، ترجمه محمد یکسان می‌داند و خصوصاً در مورد کاپیتولاقیون چنین آورده است:

ایت الله خمینی که امروز یکی از مشهورترین چهره‌های سیاسی جهان به شمار می‌آید برای نخستین بار در این دوره شهرت یافت. [آیت الله] خمینی یکی از مقامات روحانی ارشد ایران طی نامه‌ای نظر دولت دموکرات امریکا پیرامون استقرار دولت نظامی در ایران را جویا شد. وشنگتن بسیار تشیخیς دهد. امریکا آن را تایید نداشت. ویلیام سولیوان سفیر امریکا

پاسخ وشنگتن با صراحة به این موضوع اشاره شده بود که اگر شاه برای استقرار نظام و تثیت حکومت خود. استقرار یک دولت نظامی را ضروری تشخیص دهد. امریکا آن را تایید خواهد کرد و از متن پیام چنین مستفاد می‌شود که امریکا هر اقدامی در جهت پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی ایران و سرکوب مخالفان حمایت می‌کند».

ویلیام سولیوان و سرآتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، مترجم: محمود طلوعی، ص ۱۵۸

پس از آشکار شدن ناکارآمدی دولت شریف‌امامی، شاه چاره‌ای جز روی کار آوردن یک دولت نظامی نداشت. ویلیام سولیوان سفیر امریکا شهر مذهبی قم بود که در آن زمان با ایراد چند سخنرانی علیه برنامه‌های شاه شهرت یافت و افکار عمومی را سسوی خود جلب کرد. نکته جالب توجه این است که لبه تیز مبارزه [آیت الله] خمینی علیه شاه از همان آغاز سیاست امریکا و روابط نزدیک شاه را با امریکایی‌ها هدف قرار داده بود. در آن موقع لایحه‌ای برای اعطای نظر دولت امریکا بقای شاه حائز کمال اهمیت است و امریکا از هر تصمیمی که وی برای تثیت قدرت و موقعیت خود اتخاذ کند حمایت خواهد کرد. در

با کمال و قاحت

امام خمینی در مورد طرح اسارت‌بار احیای کاپیتولاقیون در تاریخ ۱۳۴۳/۸/۴ اعتراض کرد: دولت ساقی این تصویب را کرد و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب نامه را در چند روز پیش از این برده مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردنده و با یک قیام و قمود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان درنیامد. در این چند روز این تصویب نامه را بردنده به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند. مخالفت‌هایی شد. بعضی از وکلا هم مخالفت‌هایی کردند. کنایه‌ای کردند. لکن مطلب را گذراندند. با کمال و قاحت گزرازند. دولت با کمال و قاحت از این امر نگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگهای امریکا پست تر کردند. اگر چنانچه کسی سک امریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او می‌کند. اگر شاه ایرانی یک سک امریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کند و اگر چنانچه یک آشیز امریکایی شاه ایران را زیر بگیرد. مرجع ایران را زیر بگیرد. بزرگتر مقام را زیر بگیرد هیچ کس حق تعزیز ندارد. جر؟ برای این که می‌خواستند وام بگیرند از امریکا. امریکا گفت این کار باید بشود (لابد اینجور است). صحیفه امام، ۴۱۵ - ۴۲۴/۱.

نهایاً قدرت

در جریان گروگان گیری جاسوسان امریکایی در تهران (۱۳۵۸ آبان) که در سال ۱۹۴۳ / ۱۳۲۲ در تهران و با حضور سران دولتها امریکا و انگلیس و شوروی برگزار شد، ژنرال هودلی مشاور روزولت (رئیس جمهور امریکا) گزارشی از اوضاع ایران برای رئیس جمهور فرستاد و ضمن آن رئوس اصلی یک سیاست آزمایشی در ایران را به رئیس جمهور پیشنهاد



کارکنان ساقی وزارت خارجه که مدتی در تهران خدمت کردند... به این مأموریت اعزام شوند... هدف از این مأموریت علاوه بر تامین آزادی گروگان‌ها مذاکره با آیت الله خمینی و سایر رهبران ایران درباره شرایط بهبود روابط امریکا و ایران در آینده بود... روز هفتم نوامبر ۱۶ آبان آن‌گاه کلارک و میلر در سر راه خود به ایران وارد ترکیه شده بودند اطلاع یافته‌یم که آیت الله خمینی از هر تلاشی برای آزادی آنها دریغ نورزیده. ولی با قاطعیت ملت افلاطی ایران روبه‌رو شد. شرح یکی از این تلاشها - که نافرجام و نیمه‌تمام باقی ماند - از زبان سایروس ونس، وزیر امور خارجه امریکا در دولت کارتز چنین آمده است:

به طور کلی اطلاعات ماز نیروهای متخصص در صحنه سیاسی آن روز ایران محدود بود. ولی این را پیش‌نمایندگان که قیام بازی‌نشانهاد کرد

رمزی کلارک، وزیر دادگستری ایران داشتیم که تنها قدرتی که می‌تواند

گروگان‌های ما را از بند برخاند. خود آیت الله خمینی است.

نفرت ایرانی‌ها

نیکی ر. کدی پژوهشگر امریکایی، علت اصلی نفرت ایرانیان از امریکا را در حمایت ایالات متحده از انگلستان در جریان نهضت ملی کردن نفت می‌داند: دشمنی امریکا با ایران در قصیه ملی شدن صنعت نفت و حمایت امریکایی‌ها از مواضع دولت انگلیس. باعث ایجاد نفرت در دل ایرانی‌ها نسبت به ایالات متحده شد. پیش از این عموم مردم تصور می‌کردند که اهداف امریکایی‌ها از انگلیسی‌ها جداست. نیکی ر. کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، مترجم: دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۲۰۶

دلیل اصلی پشتیبانی ما از شاه

سالن پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ والتر لیپمن، مفسر سیاسی و روزنامه‌نگار امریکایی طی تفسیری کنیم تا جلوی حمله روسها را بگیرد حرفی بمعنی است و چیزی است که می‌خواهد اعضای کنگره را تحقیق شار قرار دهد تا آنها با کمکهای

خارجی به شاه ایران موافقت کنند. دلیل اصلی پشتیبانی ما از ایران اهمیت استراتژی این کشور در یک جنگ جهانی نیست بلکه هدف استقرار حکومت شاه است تاموقوف ما باشد و در سلک دوستان بافوای ما قرار گیرد. احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، ص ۱۱۴



گوشاهی از روابط ایران و ایالات متحده به روایت اسناد

حمایت کامل امریکا از فرقه ضاله بهائیت



موضوع: اهداف و مقاصد در ایران

۱. با قدردانی از مرکز شناسایی، توجه می‌دهیم که اظهارات و بیانیه‌های مربوط به اهداف و مقاصد در ایران نباید به صورت نظریهای ثابت و لایتگر عنوان شود. ما با اختیاط این مسائل را از پیش در تلگراف آزموده‌ایم... [و] بیانیه مجدد را در قالب جدید که در تلگراف مرجع B به کار برده شده، ذیلاً می‌آوریم:

۲. شروع متن

(الف) استحکام روابط سیاسی اقتصادی برپایه اعتماد، اطمینان و احترام دوجانبه - حفظ و تقویت رابطه اعتماد و اطمینان که با شاه داشتیم - ارزیابی کاربرد تماسهای سفارت در قسمتهای مهم جامعه ایران و گامهای اولیه برای توسعه روابط خود. تا حد ممکن، با نیروها و گروههایی که به موازات مدنیزه شدن ایران، تبدیل به مراکز مهم نفوذ می‌شوند...

(ب) افزایش روابط ایران و امریکا در زمینه‌های غیرنظامی

- تشویق به ادامه ذخیره قابل اطمینان نفتی برای ایالات متحده و متحdan پسیار نزدیک آن و اتخاذ سیاست معتدل قیمت‌گذاری سیاست‌ها و برنامه‌های انرژی امریکا و نیاز اقتصاد دنیا برای نفت با قیمت تحمل پذیر تبیین شود.

- تسهیل افزایش سهام امریکا در بازار ایران و آمادگی برای استفاده از نفوذ دفتر سفیر به منظور حمایت و حداقل نفوذ نامشخص تجارت خانه‌های امریکایی در فرصت‌های شغلی در ایران.

- ارزیابی چگونگی فعال تر کردن کمیسیون مشترک ایران و امریکا، از جمله چگونگی وارد کردن کامل بخش‌های خصوصی امریکا.

- پیگیری تدوین متن نهایی توافقنامه همکاری هسته‌ای ایران و امریکا که منطبق با اهداف کارتر در موارد عدم گسترش سلاحهای اتمی باشد. به همراه دکتر اعتماد [رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در دوران پهلوی دوم] و همکاران سازمان انرژی اتمی او.

- ابقای امیازات اطلاعات جاسوسی امریکا در ایران و ادامه فراهم آوردن سیاست‌های بدیهی بستان در

پاسخ به این امیازات. هرگونه پیشنهاد برای امیازات اضافی باید به دقت سبک و سنتگین شود تا اطمینان حاصل شود که منافع فعلی را در خطر نمی‌اندازند.

- همکاری با وزیر آموزش و پرورش به منظور گسترش اقدامات در ارزشیابی و به جریان گذاشتن کار ایرانیانی که خواستار تحصیل در امریکا می‌باشند.

- گسترش فصحتها برای دانشجویان ایرانی که برنامه تحصیل در امریکا دارند، به منظور دادن راهنمایی‌های مناسب، مشورت و تعلیم انگلیسی پیش از عزیمت آنها...

نموده‌اند باید کاملاً مسیو باشند و از همین مطلب که از محدود شدن و غسل تعییدشان داده‌اند حال نقشه نصرانی شدند و معلوم خواهد بود. اروپایی‌ها برای هدم اساس مسلمانی خرجها کردند به اسم نوع خواهی پولها ریختند لکن از هیچ طریق نائل به قصد نشند جز از طریق مکاتیب و مدارس که خوب به قصد رسیدند و چون ترتیب یافتن آن مدارس ملعونه در مدارس تأسیسیه اسلامیه مدار امور شدند و اساس تعییمات را از آنها فراگرفتند لهدا خارجی را سرایت دادند.

فنا لله وانا الیه راجعون. و علی ای حال پیشنهاد را اگر مندرجات آن را دولت علیه [ناخوان] حق اجرا دارند به عنایت عملیه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء امیدواریم موفقیت به اصرار آن از حضرت اشرف ادام الله تعالی تاییدانه و شوکته فوت نشود. ان شاء الله تعالى. - والسلام

سند شماره ۱

تبليغ مسيحيت و مخالفت مردم

رياست وزراء

تاریخ ارسالی: ۲۹ جزوی ۳۰۲

جامعه مختارمه اسلامیه

مراسله [شماره] ۱۶۹ واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل شد در باب اوراق منتشره مطب دارالشفای

امید به وزارت امور خارجه تاکید شد اقدام جدی و موثر برای جلوگیری از انتشار این اوراق و ممانعت از هر نوع تبلیغات به عمل آورند که خاطر آقایان از این حیث

قرین آسایش گردد.

وزارت جلیله امور خارجه

مطب دارالشفای امید در محله قنات آباد که مرکب از اطیاب امریکایی است اوراقی چاپ کرده و به مرضی [بیماران] می‌دهند که در آن، آیاتی از انجیل، مشعر

بر تبلیغ مذهب

دیده شده و این

مساله موجب

شکایت جامعه

اسلامیه گردیده

است. سواد مراسله جامعه اسلامیه و مواد ورقه متعدد فوق الذکر را لطفاً ملاحظه خواهید فرمود. لازم است اقدامات مقتضیه بفرمایید که اولاً نشر این اوراق بکلی موقوف شود و ثانياً به طور کلی تذکر بدhenند که نظر به ضرورت حفظ و ترقی مناسبات دوستانه بین ایران و امریک مصلحت آن است که از هرگونه اقداماتی که تصور به تبلیغات مذهبی در آن برود قویاً جلوگیری به عمل

شگرف او را واقعیات جامعه ایران به خوبی می‌نمایاند. سند شماره ۲ مارابا نمونه‌ای از این غفلت‌ها آشنایی سازد.

سند شماره ۳ نامه‌ای است که

ساپروس ونس وزیر خارجه وقت ایالات متحده در ششم آبان ۱۳۵۷ برای سفارت امریکا در تهران ارسال کرده و از گزارش شده که آیا سیاست استفاده از

زور در تعطیلی مطبوعات، دستگیری گستردۀ مخالفان، بازگرداندن اعتصابیون به سرکارهای اشان... و موثر خواهد بود یا خبر؟ این نامه از یک سومیزان نفوذ امریکا در ایران عصر پهلوی را به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر پوشالی بودن حقوق بشر امریکایی را نشان می‌دهد.

سند شماره ۴ به تاریخ ۷ آذر ۱۳۵۷

است و حمایت بقید و شرط امریکا از فرقه استعماری بهائیت و نگرانی فروان آنها از وضعیت بهائی‌ها در ایران را نشان می‌دهد.

سند شماره ۵ به مربوط به مرداد ۱۳۵۸

(پس از انقلاب) است و مبنی آن است که امریکا مانند غریبی که به هر حشیشی متشبّث می‌شود، بشدت در صدد بود که افراد مخالف که توان براندازی نظام اسلامی را دارند، شناسایی و سازماندهی کنند.

سند شماره ۶

زاهدی سفیر وقت ایران در امریکا به وزیر خارجه است که در آن از این که مقامات امریکایی از جزییات مذاکراتی که در تهران انجام می‌گیرد، اطلاع دارند در حالی که وی بی اطلاع است. این سند نیز عمق نفوذ ایالات متحده در تمام شوون کشورمان را نشان می‌دهد.



سند شماره ۲

مخالفت مراجع با

تبلیغات تبشيری

عليکم و رحمة الله و برکاته

الاحقر ابوالحسن الموسوي الاصفهاني

الاحقر محمد حسین الغروي النائيني

سند شماره ۳

اهداف و مقاصد امریکا در ایران

تاریخ: ۱۰ زانویه ۱۹۷۸ ۲۰ دی ۱۳۵۶

طبقه بندی: مرحمنه

از: سفارت امریکا - تهران

به: وزیر امور خارجه - واشنگتن



این یک گزارش خبری است که مورد سنجش نهایی اطلاعاتی قرار نگرفته است.

طبقه‌بندی گزارش: سری هشدار: غیرقابل رؤیت برای بیگانگان، غیرقابل

رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه‌کننده است.

انتشار: منحصرا برای آدرس‌هایی که در پاراگراف آخر آمده‌اند می‌باشد.

کشور: ایران موضوع: فعالیت‌های ادعایی افراطیون... (تاریخ اطلاعات. تیر ۱۹۵۸)

منبع: یک ایرانی مجری امور بازرگانی که میزان مورد اعتماد بودنش هنوز روشن نیست. او این اطلاعات را از یک فرد که امکانات و دسترسی خوبی دارد به دست آورده است.

۱. علی اسلامی یک بازاری (تاجر) مهم. یک

بازارگان (سبک قدیم) با وضع مادی خوب و

علاقه اقتصادی در بخش کشاورزی و دامپروری... ادعا می‌کند که نزدیک به

۲۰ هزار نفر در اختیار دارد که آمده‌اند تا علیه آیت الله روح الله خمینی در مناطق جنوبی تهران به تظاهرات و راهپیمایی پردازند. اسلامی ادعای کرد که قادر است تظاهرکنندگان را در یک مهلت دو ساعته به حرکت درآورد. وی مدعی است که پس از ۳ ماه زندانی شدن توسط کمیته بازوه دادن خود را آزاد کرده است. او گفت که تظاهرکنندگان را یک ماه و نیم پس از توقیف شدن سازماندهی کرده است.

۲. اسلامی دو مورد را که واحدهایش علیه خمینی عمل کرده بودند بیان کرد. اولین آن حمله‌ای بود که حدود ۳ هفته پیش با استفاده از نارنجک دستی به محل اقامت خمینی صورت گرفت. به طور کلی هدف این حمله این بود که مردم ثابت شود که نیروهای قابلي وجود دارند که با خمینی مخالف باشند.

۳. دومین حادثه فرستادن تقریباً هزار زن ایرانی به قم برای پس گرفتن جواهرات شخصی شان بود که بلافصله بعد از بیرون کردن شاه به جبشن خمینی اها کرده بودند. منظور از این عمل ثابت کردن عدم وفاداری به دولت فعلی آیت الله خمینی بوده است.

۴. برطبق اظهارات اسلامی، وقت برای مبارزه علیه خمینی کاملاً مناسب است اما یک رهبر سیاسی یا (دیکتاتور). که خلاه، قدرت را پر کند و جود ندارد. موضوعی که افراد گروه در حال حاضر بر آن توافق دارند این است که هر مرد قدرتمندی که آنها انتخاب کنند باید از نقطه نظر منافع امریکا و شوروی مورد قبول باشد و این طور احساس می‌شود که هیچ فردی غیر از شاه از عهده این کار برنمی‌آید. اسلامی سپس اظهار کرد که گروه آنها برنامه ریزی کرده که از دست آیت الله صادق خلخالی راحت شود، البته اگر او قل از آن نمرده باشد...

سند شماره ۷

ابزار تاسف زاهدی

اما نکته‌ای که موجب تاسف می‌باشد این است که مقامات امریکایی از جزئیات مذکوراتی که در تهران انجام می‌گیرد. همه اطلاع دارند در حالی که خود من نماینده کشور هستم بی اطلاع و اکثراً پنهانه شد.

از: رئیس ۴۸۲۰۸۱

دیگر این فرقه به وجود بیاید. در رابط با خانواده ثابت به ما گزارش شده است که همه اعضای مهم این خانواده. که علارتند از: ایرج در سوئیس. هرمز در امریکا و حبیب پدر آنها در جایی بین نیویورک و سوئیس. در خارج از ایران به سر می‌برند. سولیوان

در این سند فردی به نام علی اسلامی به عنوان

یکی از مخالفان نظلان اسلامی. معروفی می‌شود. شایان ذکر است، علی اسلامی در جریان حمله نظامی امریکایی طبس در ۴ اردیبهشت ۵۹ کامیون وانت را در انبار خویش در حوالی گرمسار مخفی کرد تا در جریان حمله به تهران مورد استفاده کماندوهای امریکایی قرار بگیرد. او روزهای پیاپی سال ۱۹۵۸. حدود ۲ ماه قبل از حمله امریکا به همراه خانواده‌اش، ایران را ترک کرد و به امریکا پناهنده شد.

به: تهران رونوشت برای امان، بیروت، قاهره. اسلام آباد، جده، کابل، کراچی، کویت، دهليز و تل آویو هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آنچه در زیر می‌آید... برای انتشار براساس خط مربوط به انتشار از حوزه فعالیت می‌باشد.

موضوع به رابطه‌های مخالفان ما باشد که خشونت و اذیت و آزار بهائی‌ها برای انقلابشان جنبه مشتبی به همراه نخواهد داشت. به عقیده ما برای سختگویان دولت امریکا در وطن نیز این بهترین سیاست و خط مشی می‌تواند باشد.

۴. ضربی پیچیده‌ای که در شرایط حاضر وجود دارد این واقعیت است که بعضی از بهائی‌ها در چند سال گذشته در اعمالی دست داشته‌اند که به نظر آنها [=مخالفان مسلمان. [م] جنایت و فساد خوانده می‌شود. مهمترین تاجر بهائی که در زمرة این گروه در می‌آید شاید همان هزیر یزدانی صنعتگر و ملاک سرشناس باشد که از ماه اوت به اتهام استفاده نامشروع و غیرقانونی از زمینهای دولتی دستگیر شده است. آنچه که ما می‌خواهیم این است که تقاضاوی میان افرادی که به جرم فساد و یا دیگر اعمال غیرقانونی دستگیر و محکمه می‌شوند و افراد

۱. علی اسلامی یک بازاری (تاجر) مهم. یک بازارگان (سبک قدیم) با وضع مادی خوب و

علاقه اقتصادی در بخش کشاورزی و دامپروری... ادعا می‌کند که نزدیک به

آیت الله روح الله خمینی در مناطق جنوبی تهران به تظاهرات و راهپیمایی پردازند. اسلامی ادعای کرد که قادر است تظاهرکنندگان را در یک مهلت دو ساعته به حرکت درآورد. وی مدعی است که پس از ۳ ماه زندانی شدن توسط کمیته بازوه دادن خود را آزاد کرده است. او گفت که تظاهرکنندگان را یک ماه و نیم پس از توقیف شدن سازماندهی کرده است.

۲. اسلامی دو مورد را که واحدهایش علیه خمینی عمل کرده بودند بیان کرد. اولین آن حمله‌ای بود که حدود ۳ هفته پیش با استفاده از نارنجک دستی به محل اقامت خمینی صورت گرفت. به طور کلی هدف این حمله این بود که مردم ثابت شود که نیروهای قابلي وجود دارند که با خمینی مخالف باشند.

۳. دومین حادثه فرستادن تقریباً هزار زن ایرانی به قم برای پس گرفتن جواهرات شخصی شان بود که بلافصله بعد از بیرون کردن شاه به جبشن خمینی اها کرده بودند. منظور از این عمل ثابت کردن عدم وفاداری به دولت فعلی آیت الله خمینی بوده است.

۴. برطبق اظهارات اسلامی، وقت برای مبارزه علیه خمینی کاملاً مناسب است اما یک رهبر سیاسی یا (دیکتاتور). که خلاه، قدرت را پر کند و جود ندارد. موضوعی که افراد گروه در حال حاضر بر آن توافق دارند این است که هر مرد قدرتمندی که آنها انتخاب کنند باید از نقطه نظر منافع امریکا و شوروی مورد قبول باشد و این طور احساس می‌شود که هیچ فردی غیر از شاه از عهده این کار برنمی‌آید. اسلامی سپس اظهار کرد که گروه آنها برنامه ریزی کرده که از دست آیت الله صادق خلخالی راحت شود، البته اگر او قل از آن نمرده باشد...

سند شماره ۶

در این سند فردی به نام علی اسلامی به عنوان یکی از مخالفان نظلان اسلامی. معروفی می‌شود. شایان ذکر است، علی اسلامی در جریان حمله نظامی امریکایی طبس در ۴ اردیبهشت ۵۹ کامیون وانت را در انبار خویش در حوالی گرمسار مخفی کرد تا در جریان حمله به تهران مورد استفاده کماندوهای امریکایی قرار بگیرد. او روزهای پیاپی سال ۱۹۵۸. حدود ۲ ماه قبل از حمله امریکا به همراه خانواده‌اش، ایران را ترک کرد و به امریکا پناهنده شد.

به: تهران رونوشت برای امان، بیروت، قاهره. اسلام آباد، جده، کابل، کراچی، کویت، دهليز و تل آویو هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. آنچه در زیر می‌آید... برای انتشار براساس خط مربوط به انتشار از حوزه فعالیت می‌باشد.

سند شماره ۵

حمایت کامل امریکا از فرقه ضاله بهائیت

تاریخ: ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸

از: سفارت امریکا تهران

به: وزارت امور خارجه و اشتگتن دی. سی. فوری

طبقه‌بندی: خیلی محظوظ

موضوع: موقعیت بهائی‌ها

۱. پس از برقراری نسیبی نظم توسط حکومت

نظامی جدید. وضع بهائی‌ها تقویباً بهتر شده است.

فقط از طرف مخالفان مذهبی اسلامی که عنصر

مهم مخالفت سیاسی علیه شاه و دولت ایران را

تشکیل می‌دهند هنوز هم حالت خصوصی بار علیه

بهائی‌ها وجود دارد. دولت ایران این فشار و

محرومیت را پذیرفته و هنوز هم بهائی‌ها از مشاغل

دولتی اخراج می‌شوند. هفته گذشته چند تن از

پزشکان بیمارستان‌های دولتی اخراج شده‌اند

که چند تن از دوستان ایرانی. آنها را

می‌شناسند.

۲. این وصف در حال حاضر هنوز

خشونت‌های خیابانی علیه فرقه بهائی‌ها

نشان داده

با این وصف، در حال حاضر هنوز

سیاست‌های خیابانی علیه فرقه بهائی‌ها

تغییر نداشتند.

۳. این تغییرات در اجرای حقوق بشر در ایران

امريکا با شاه و ديگر مسوولان در موقعیت مقنی

با تمرکز روی گسترش حقوق بشر (که

ممکن است مداخلات خارجی را از بين

برده و مضر باشد). باید توجه داشت که

تصویر نامطلوب همگانی ایران در این

موضوع می‌تواند چه تأثیری بر روی

موقعیت بین‌المللی ایران در امریکا و سایر

جاها بگذارد.

ج) روابط نظامی هماهنگ و دقیق. منجمله برنامه ذخیره نظامی

- ابقای گفتگوی مداوم با شاه و مشاوران اصلی نظامی او در مورد نیازهای نظامی اش به منظور رد تقاضاهای فروش اسلحه غیرضروری.

- زیر نظر گرفتن کامل موارد فروش اسلحه خارجی به ایران. چه آنها که فعلاً در جریان است و چه آنها که پیش‌بینی می‌شود...

- ابقای موقعیت متعادل ایران در امور منطقه‌ای

- تشویق ادامه نزدیکی تعادل یافته ایران به امور عرب و اسرائیل و حمایت ایران از مذاکرات صلح ما در خصوص خاورمیانه.

- تشویق حفظ روابط مثبت ایران با اسرائیل.

منجمله روابط نفتخانه

- تشویق حمایت ایران از سیاست‌های اصلی ما در آفریقا

(ه) پیشرفت در اجرای حقوق بشر در ایران

- مطالعه و بررسی سیاست‌های حقوق بشر

امريکا با شاه و ديگر مسوولان در موقعیت مقنی

با تمرکز روی گسترش حقوق بشر (که

ممکن است مداخلات خارجی را از بين

برده و مضر باشد). باید توجه داشت که

تصویر نامطلوب همگانی ایران در این

موضوع می‌تواند چه تأثیری بر روی

موقعیت بین‌المللی ایران در امریکا و سایر

جاها بگذارد.

وقت آن رسیده و بسیار مفید و لازم خواهد

بود. اگر بودن در نظر گرفتن این پیام، شما

بهترین تجزیه و تحلیل خود را در مورد عاقب و

نتایج کوتاه مدت و دارازمدت یک سیاست

استفاده از زور برای بازگرداندن اعتصابیون بر سر

کارهایشان و تظاهرکنندگان از خیابان‌ها برای ما

بفرستید.

می‌توان گفت در کنار چنین سیاستی، در بند

کشیدن (کنترل) مطبوعات و دانشگاه‌ها و

دستگیری تعداد زیادی از روحانیون و مخالفان

مذهبی لازم است (ماز ماموران امنیتی شنیدیم که

با دستگیری ۴۰۰ مخالف اصلی مخالفت ها فروکش

می‌کند).

لطفاد راجه و تحلیل خود تخمینی از وفاداری

ارتش و سایر نیروهای مسلح تحت شرایط سخت

کنترل در مدت زمانی طولانی و واکنش احتمالی

گروههای سیاسی داخل ایران و همچنین واکنش

عمومی در اثر عقب اندختن احتمالی انتخابات را

نیز در نظر داشته باشید.

۲. با در نظر گرفتن این که شما نقطه نظرات

خودتان و پاسخ به این سوالات را در پیامهای

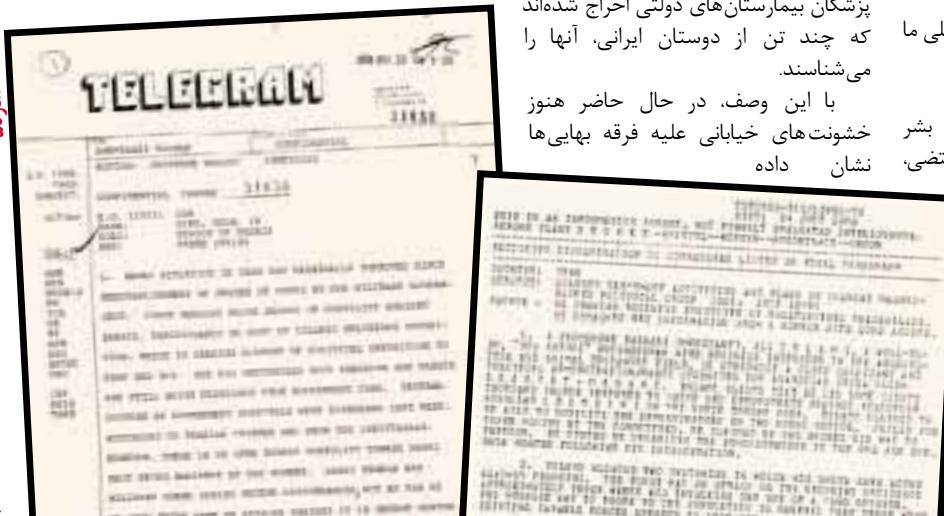
مختلف برای ما فرستاده‌اید. اگر همه را یکجا

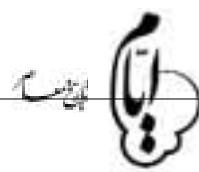
گرد آورده و در یک پیام توزیع عادی انتشار

احصاری برایمان بفرستید، بسیار مفید خواهد

بود.

ونس





مجموعه ۷۱ جلدی «مجموعه اسناد لانه جاسوسی امریکا»



عنوان موضوعی برخی از مجلدهای سالهای ۱۳۶۶ - ۱۳۶۲ با تلاش دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و از سوی مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی امریکا چاپ و منتشر شده است، از مهمترین منابع مطالعه و بررسی روابط ایران و امریکا در طول دوران حکومت محمدرضا شاه (و در شوون مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و...) به شمار می‌رود.

این مجموعه عظیم و ارزشمند که در واقع ترجمه و گردآوری اصل استاد

برجای مانده از سفارت امریکا در تهران را تشکیل می‌دهد، مخاطبان و بالاخص

پژوهشگران و علاقمندان به مطالعه و بررسی تحولات ایران در دوره پهلوی را با

گوششها و زوایای پیدا و پنهان بسیاری از رخدادها و حوادث آن روزگار (بیوژه در

روابط ایران و امریکا) آشنا می‌کند.

این مجموعه ۷۱ جلدی که مجلد ضمیمه‌ای هم درباره فهرست اعلام و

اشخاص برای آن تهیه شده است، به صورت موضوعی تهیه، تنظیم و چاپ شده

است و گواین که متن ترجمه اسناد آن نارسایی‌های نیز دارد؛ با این احوال و

بیوژه برای آگاهی از رویکرد و سیاست‌گذاری‌های ریز و کلان امریکا در ایران دوران

پهلوی و یک ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (تا آبان ۱۳۵۸) منبع

دست اول و کم نظری است.

خاورمیانه که به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم با مسائل ایران ارتباط پیدا می‌کرد، اطلاعات قابل توجه و کم نظری وجود دارد.

افغانستان، عراق، سوریه، ترکیه، فلسطین، عربستان سعودی، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و پاکستان از مهمترین کشورهایی هستند که در مجموعه اسناد لانه جاسوسی امریکا درباره آنها سخن به میان آمدند.

پس از انتشار این مجموعه، دولت لیبرال امریکا، که داعیه حریان آزاد اطلاعات را داشت، ورود آن را به ایالات متحده ممنوع اعلام کرد.

سیاست‌های مداخله‌جویانه امریکا پس از کودتا و بیوژه سیاست‌های آن کشور در ایران آشنا می‌کند.

فصل سوم به نقش ایالات متحده در سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی طی سالهای ۱۹۵۴ - ۱۳۴۰ / م ۱۹۶۱ - ۱۳۳۳

در فصل چهارم روابط و کشور را در سالهای بحرانی ۱۹۶۳ - ۱۳۴۰ / م ۱۹۶۲ - ۱۳۴۲ که مقارن با اجرای اصلاحات موسوم به انقلاب سفید و قیام علما و روحانیون به رهبری آیت الله امام خمینی است مورد کاوش قرار می‌دهد.

در فصول پنجم تا هفتم کتاب روابط ایران و پهلوی با امریکا در شوون مختلف طی سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۷۹ که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی است مورد بررسی آسیب‌شناسانه قرار می‌گیرد.

چهار فصل پایانی کتاب هم به دخالت‌ها و تلاشهای پیدا و پنهان امریکا برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی اختصاص دارد و بیوژه به آسیب‌شناسانی علل و عواملی می‌پردازد که موجبات شکست سیاست‌های امریکا در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران فراهم آورد.

شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و امریکا

نویسنده: جیمز ا. بیل
ناشر: نشر فاخته

متراجم: فروزنده بربان

قطعه: وزیری ۶۲۴ / ۴ صفحه

از جمله مهمترین کتب و آثاری که

تاکنون درباره روابط ایران و امریکا (از آغاز تا

اواسط دهه ۱۳۶۰ ش ۱۹۸۰ / م) چاپ و

منتشر شده است، کتاب «شیر و عقاب» با

عنوان فرعی «روابط بدفرجام ایران و امریکا»

نوشته یکی از محققان امریکایی دانشگاه

(William and Mary) است که در سال ۱۹۸۸ م

۱۳۶۷ / ش از سوی دانشگاه بیل (Yale)

چاپ و منتشر شده است و در سال ۱۳۷۱

هم در ایران به چاپ رسید.

این اثر شامل فهرست مطالب، دیباچه مترجم و



سایر منابع مربوط به مطالب درج شده

۱۸. جیمز. اف. گود، امریکا در بی خبری، تهران، ناشر، ۱۳۶۲.
۱۹. ولیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا عبدالرضا مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۶۹.
۲۰. ایرج ذوقی، گزارشی از رفتار سیاسی امریکا در قبال نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
۲۱. ابراهیم سنجر، نفوذ امریکا در ایران، تهران، مولف، ۱۳۶۸.
۲۲. ابراهیم متقدی، تحولات سیاست خارجی امریکا مداخله‌گرایی و گسترش، ۱۹۴۵ - ۱۹۹۷.
۲۳. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی و امریکا، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
۲۴. ه. موحد، دو سال آخر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۵. جیمز کوک، سایه مصدق بر روابط ایران و امریکا، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران، کویر، ۱۳۷۹.
۲۶. مایکل لین، هزیمت یا شکست رسوای امریکا در ایران، تهران، امید فرد، ۱۳۸۳.
۲۷. جیمز کارتر، ۴۴ روز، ترجمه احمد باقری، تهران، هفته، ۱۳۶۱.
۲۸. تیم ولز، ۴۴ روز، تهران، رجا، ۱۳۶۶.
۲۹. فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و امریکا، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸.
۳۰. ولیام بلوم، سرکوب امید، ترجمه عبدالرضا هوشمند مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۶.
۳۱. مهدی کیانفر، سیاست امریکا در ایران، تهران، خیام، ۱۳۲۸.
۳۲. مهرداد فرید، رابطه، تهران، سلام، ۱۳۷۸.
۳۳. آنور خامه‌ای، سالهای پرآشوب، تهران، فرزان روز، ۱۳۷۸.
۳۴. حسن واعظی، ایران و امریکا، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۳۵. جیمز کوک، سایه مصدق بر روابط ایران و امریکا، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران، کویر، ۱۳۸۲.
۳۶. جعفر مهدی‌نیا، معنای اشغال سفارت امریکا در ایران، تهران، امید فرد، ۱۳۸۳.
۳۷. جیمز ا. بیل، نشر فاخته، ۱۳۴۷.
۳۸. ایران در آستانه قرن بیستم، ترجمه میترا معتصم، تهران، البرز، ۱۳۷۶.
۳۹. غلامرضا کرباسچی، روزشمار روابط ایران و امریکا، تهران، بقעה، ۱۳۸۰.
۴۰. آبراهام پیلسون، روابط سیاسی ایران و امریکا، ۱۹۲۵، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۴۱. امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۴۲. علی مجاهد (به کوشش)، گزیده اسناد روابط ایران و امریکا، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۴۳. علی مجاهد، بررسی مناسبات ایران و امریکا (۱۸۵۱)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۴۴. ریچارد کاتم، چرا شاه سرنگون شد؟، ترجمه محمدعلی آتشبرگ، تهران، بین‌المللی، ۱۳۶۲.
۴۵. رحیم رضازاده ملک، تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا، تهران، طهوری، ۱۳۵۰.
۴۶. گ. ل. بوندارفسکی، تاریخ توسعه طلبی امریکا

۱۶ مجلس شورای ملی دخالت‌های ناروای بسیاری به نفع دربار انجام داد. انگلیسی‌ها امیدوار بودند با انتصاب هژیر به مقام نخست وزیری، موضوع نفت را آنچنان که دلخواهشان بود، حل و فصل کنند. اما این ترفند با هوشیاری و مقاومت مردم و نمایندگان مجلس راه به جایی نبرد. هژیر در مخالف اجتماعی و سیاسی چهره خوشبختی نبود و ترقی اش در پلکان سیاسی - اداری کشور بیش از هر چیز مدعی حمایت‌های دربار، اشرف و شخص شاه بود. آنچه بود، هژیر نهایتاً در مقام وزیر دربار و در حالی که در مدرسه سپهسالار قصد داشت دسته‌های عزاداری و نوحه‌خوانی را به اصطلاح مورد تقدیر قرار دهد. در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ توسط سید حسین امامی (قاتل احمد کسری) هدف گلوله قرار گرفت و چند روز بعد درگذشت. منبع: عغور مهدی نیا، زندگی سیاسی عبدالحسین هژیر، چاپ اول، تهران، پانوس، ۱۳۷۳. صفحات متعدد کتاب.

تُرور عبدالحسین هژیر

شرکت ساختمان بیمه هژیر در کابینه‌های علی سهیلی و احمد قوام وزیر بازرگانی و پیشنه و هنر بود. در کابینه دوم سهیلی و سپس کابینه محمد ساعد مراغه‌ای وزیر کشور شد. در کابینه حکیم‌الملک و سه کابینه بعدی احمد قوام (۱۳۲۶ - ۱۳۲۴) وزیر دارایی بود. پس از سقوط کابینه قوام که هژیر هم بالشاره دربار در آن نقش داشت، در کابینه بعدی (حکیمی) وزیر مشاور شد و پس از سقوط کابینه حکیمی به مقام نخست وزیری رسید و سپس در مجلس موسس‌ان عضویت پیدا کرد و به خاطر تعلق خاطر و روابط نزدیکی که با شاه و برخی دیگر از خاندان سلطنت (بویژه اشرف) داشت به عنوان وزیر دربار تعیین شد.

هژیر با انگلیسی‌ها ارتباط نزدیکی داشت و در جریان برگزاری انتخابات دوره ۱۹۳۲ نقش قابل توجهی بر عهده داشت. او طی سالهای ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ بازرس دولت در بانک ملي ایران بود. پس از شهريور سال ۱۳۲۰ در مشاغل زیر خدمت کرد: مدیرعامل شرکت قماش، رئیس کمیسیون ارز خارجی و بازرس دولت در



عبدالحسین هژیر، فرزند محمد وثوق همایون (بپشخدمت دربار قاجار) در ۲۰ محرم ۱۳۲۰ ش در تهران متولد شد. مادر او حاجیه فاطمه خانم از زنان سابق ناصرالدین شاه بود که پس از طلاق به عقد وثوق همایون درآمده بود. عبدالحسین تحصیلات مقدماتی خود

طبق روال معمول در این صفحه خوانندگان با بعضی از وقایع ماه آشنا می‌شوند. از میان مناسبت‌های متعددی که برای آبان ماه احصا شده بود فقط امکان بیان ۴ واقعه را یافته‌یم که اینک پیش روی شما عزیزان قرارداد

تشکیل کابینه ازهاری



هنگامی که در ۵ شهریور ۱۳۵۷ جعفر شریف امامی در مقام نخست وزیری جانشین جمشید آموزگار شد، گمان بر این بود که طرحهای به اصطلاح آشتی ملی او بر نازاری‌های سیاسی فزاینده در اقصی نقاط کشور پایان خواهد داد. اما شریف امامی خیلی زود در برخورد کارآمد و منطقی با بحران سیاسی دچار عجز و ناتوانی شد. به همین دلیل محافظی در درون حاکمیت و نیز امریکاییان به این باور رسیدند که جزو سیاست سرکوب هر چه بیشتر و شدیدتر، نخواهد توانست به موج تظاهرات و نازاری‌های سیاسی پایان دهد. به همین دلیل طرح روی کار آوردن دولتی نظامی به سرعت مورد توجه قرار گرفته و به دنبال آن و پس از حدود ۷۰ روز که از آغاز نخست وزیری شریف امامی سپری می‌شد، ارتشبید غلامرضا ازهاری در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ مأمور تشکیل کابینه شد و از آن‌جا که کمتر کسی حاضر به قبول مسؤولیت در کابینه ازهاری بود، او فقط موفق شد ۹ تن را که عمدتاً نظامی بودند. به عنوان اعضای کابینه به شاه معروفی کند. در حالی که امریکا نیز تصریح کرد دولت جدید را تحت حمایت قرار خواهد داد.

اما روند تحولات نشان داد که اوضاع سیاسی اجتماعی کشور بسیار بحرانی تراز آن است که افرادی تجربه و فاقد توان و برنامه ممکنون ازهاری بتوانند. گامی جدی در راه تتحکیم موقعیت بشدت متزلزل رژیم پهلوی و شخص شاه بردارند. با این احوال سرکوبگری‌های بی‌حاصل دولت جدید نیز فقط بر دامنه مخالفت‌ها و گسترش باز هم بیشتر بحران افزود و در این میان بالاخص آیت‌الله خمینی، رهبر انقلاب طی سخنرانی‌ها و بیانیه‌های متعدد خود، مردم را به مقاومت و مقابله همه جانبه با دولت ازهاری و مجموعه حاکمیت پهلوی فرامی‌خواند. به این ترتیب همراه با گسترش مخالفت‌ها، در سراسر کشور اعتصابات روزافزونی شکل گرفت و برخی اقدامات نمایشی دولت ازهاری نظری بازداشت برخی رجال کشوری و لشکری. آزادی زندانیان سیاسی و... نیز تنوانت مشکلات مبتلا به دولت و حکومت را لواند کی تخفیف دهد و به این ترتیب خیلی زود ناکارآمدی دولت ازهاری در برخورد با بحران جاری در کشور بر همگان آشکار شد.

در گذشت علامه طباطبائی

علامه سید محمد حسین طباطبائی از فیلسوفان و متفکران بزرگ عالم تشیع در سال ۱۲۸۱ ش / ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شد و پس از قریب به ۸۰ سال زندگی و عمر پر برکت و سازنده در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش / ۱۴۰۲ ق در شهر قم درگذشت.

او تحصیلات دوران مقدماتی خود را از مکتب خانه‌های محلی و از طریق معلمان به اصطلاح سرخانه آغاز کرد و سپس وارد مدارس رسمی شد و در همان حال به مطالعه و بررسی متون ادبی، تاریخ، شعر و نظری آن نیز علاقه‌مندی نشان داد. از سال ۱۲۹۷ ش به تحصیل علوم دینی و عربی پرداخت و برخی از مهمترین کتب و متابع موجود در این رشته‌ها را فرا گرفته و نهایتاً به مطالعه فلسفه گرایش قابل توجهی نشان داد. از سال ۱۳۰۴ جهت تکمیل تحصیلات دینی و حوزه‌ی عالم نجف اشرف شد و در محضر استاد بزرگی مانند آیت‌الله آقاضی محمد حسین اصفهانی، آیت‌الله نائینی، آیت‌الله آقسید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله حجت کوهه‌ای، آقسید حسین بادکوهه‌ای و آقا سید ابوالقاسم خوانساری به تحصیل در فقه، اصول، علم رجال، فلسفه، اخلاق، هندسه و ریاضیات پرداخت.



وی با اشتیاق قابل توجهی که به فراگیری علوم نشان می‌داد، به سرعت مدارج عالی علمی را طی کرد و بویژه به فلسفه بسیار علاوه‌مند شد. در سال ۱۳۱۴ ش به زادگاهش تبریز بازگشت و حوزه‌ی علوم دینی و حوزه‌ی عالیه آن شهر رفت و پس از مدتی تحصیل علوم دینی و حوزه‌ی تدریس فلسفه گرایش نشان داد. علامه طباطبائی بویژه به خاطر گسترش و نفوذ فلسفه غربی و مارکسیستی در فضای کشور و فنوری که در حوزه‌های علمی راه یافته بود، تدریس فلسفه در حوزه‌های علمی را ساخت ضروری می‌دانست. او ده‌ها جلد کتاب به زبان‌های فارسی و عربی تالیف کرد که بویژه در زمینه‌های معرفت‌شناسی، فلسفه علم، فلسفه اجتماعی و سیاسی، عرفان‌شناسی، دین‌شناسی، اخلاق‌شناسی، رابطه دین و اخلاق، ایمان‌شناسی و قرآن‌شناسی مقام ارجمند و کم‌نظیری دارد. کتاب تفسیرالمیزان شناخته شده‌ترین و مهمترین آثار علامه طباطبائی به شمار می‌رود.

منبع: مسعود امید، نظری به زندگی و برخی آثار علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۸۰، صفحات متعدد کتاب

۴. در این میان برخی طرحهای انحرافی هم

برای سرگرم کردن مردم تهیه شد که هدف آن بی‌توجهی اذهان عمومی به تحولات سیاسی جاری در کشور و از جمله طرح انحراف قاجاریه و فراهم آمدن مقدمات سلطنت رضاخان بود.

به این ترتیب با تمهدیات صورت گرفته و رعب و حشمتی که شهربانی تحت امر رضاخان ایجاد کرده و بویژه نمایندگان مجلس پنجم شورای ملی به تصویب رسید.

منبع: حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران جلد ۳، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۳۸۱-۴۶۶

خود فراهم آورده بودند.

۲. تلگراف‌های بسیاری توسط طرفداران رضاخان و به نام مردم از شهرهای مختلف برای مجلس و... مخبره می‌شد که ضرورت انحراف سلسه قاجاریه را طلب می‌کردند. ضمن این که شبستانه‌های مشابهی هم از سوی طرفداران رضاخان در نقاط مختلف تهران و برخی شهرها پخش می‌شد.

۳. در همان حال مجالس جشن و سرور و پذیرایی‌های مفصل از رجال، معارف و تجار در تهران برای شد که به شیوه‌های تحصن گونه خل احمدشاه از سلطنت و انحراف قاجاریه را طلب می‌کردند. این افراد عمدتاً از طرفداران سردار سپه و گروههایی نیز از ازادی و اباش بودند.

رضاخان و اطرافیانش بر لایحه انحراف قاجاریه

امضاء و مهر تایید زده بودند. در این میان حودود نفر از نمایندگان هم در جلسه رای گیری شرکت نکرده و در واقعه به این لایحه تأسیفبار رای منفی داده بودند. در میان مخالفان دکتر محمد مصدق، سید حسن تقی‌زاده و سید حسن مدرس در حمله رای گیری با بیانات و سخنانی شجاعانه و منطقی، مخالفت خود را با لایحه مذکور اعلام کردند.

رضاخان نخست وزیر وقت و طرفداران تمهدیات گستردگانی را برای جامه عمل پوشانیدند. از جمله: بر این طرح به مورد اجرا گذاشته بودند. از جمله: ۱. با سیاری از رجال، متفذلان و نمایندگان مجلس ملاقات‌های مخفیانه ترتیب داده و موجبات طرفداری و تعیین آلن را از خواسته‌های

انحراف قاجاریه

مجلس شورای ملی دوره پنجم در روز نهم آبان ۱۳۰۴ برخلاف قانون اساسی مشروطه که حکومت را در سلسله قاجار می‌دانست، با ۸۰ رای موافق و ۵ رای مخالف، ماده واحدهای رایه تصویب رسانید که براساس آن سلسله قاجاریه منقرض و حکومتی موقتی تحت ریاست رضاخان پهلوی نخست وزیر وقت، عهده‌دار اداره امور کشور می‌شد. نمایندگان موافق که قریب به اتفاق آنان پیش‌اپیش مروعوب، تهدید و یا تطمیع شده بودند، طی چند روز نخست آبان ۱۳۰۴ به انجاء گوناگون با رضاخان بیعت کرده و پیش‌اپیش با صلاحیت



ویژه نامه تاریخ معاصر
با همکاری موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
نظرات، پیشنهادها، خاطرات و عکس‌های تاریخی خود را به
آدرس تهران - بلوار میرداماد - روزنامه‌چاچ
و یا نشانی‌های اینترنتی زیرا رساله کنید:
ayam@jamejamonline.ir
info@iichs.org

گنجینه

که باشد مرتع سبزی در ایران

جریلن رود دکتر میلیسپو و مستشاران امریکایی به این ترتیب بود که دولت شاهنشاهی به حسین علاء (علائی سابق) وزیر مختار ایران در امریکا دستور داد که عده‌ای مستشار برای ایران دعوت نماید. او هم دکتر میلیسپو و همراهانش را روانه کرد. ایرج میرزا خطاب به علا، گفت: «نبینی خیر از دنیا علائی بیاید ز آسمان بر تو بلائی تو اخر آن قدر احمق نبودی حقیقت خوبی را خوش‌نمودی از اینجا به امریکا، آن رده در گوارانیز هر قل و بنایی که بنمانی در امریکا تفحص بیایی مستشاری با تخصص در امریکا به خرها دادی اعلام که باشد مرتع سبزی در ایران در آن مرتع چیزی دارد «خران لاغرو» را حالت درستی با خران یک کنترانی گوارانیز هر قل و بنایی فرستادی زنوع خود کمندی، خصوصاً یک خر بال بلندی چموش و بدگام و خام و کهگیر نهاز افسار می‌ترسد نه از زنجیر درست است این که امریکا سراسر نموده خوش‌رامستنی از خر که راه‌آن بسیار دارد ز حمل و نقل با خر، عار دارد ولی این جایه حدی خرزیده است که از په سرمه‌اهم گشاد است»

مدتی پس از استقرار میلیسپو و آغاز تراکتازی‌های وی به تدریج مخالفت‌ها با او آغاز شد و به مطبوعات نیز کشید. در این میان شریه تهران مصور در قطعه‌ای طنز آزاد این‌گونه میلیسپو را خطاب قرار داد:

آهنگ ضربی

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

بعد کثیر گفت رندی شوخ و عیاش که دیدی عاقبت راز تو شد فاش؟!
به فکر دیگر و جای دگرباش برای این که اینجا جون داداش ندارد حرف‌هایت هیچ در رو

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

اگر رفتی سر کارت مجدد این پس جون و کلی پیش است آید ممکن اواز پیش خوشنود ره براش کن مهیا هر چه خواهد عزیزم حرف بشوار حرف بشنو

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

نماد اینجا چو بهرت اعتباری بر آن بودی که آثار نقاری میان ما و امریکا گذاری زدی زوری، ولی دیدی که باری چسان گشتی برای این عمل هو؟

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

در این مدت که می‌باشی به ایران نهشدن خوش قماش و قند از ازان نه شد اجناس خواری فراوان همین معجون که نام بود نان نمی‌دانم که از کاه است یا جو؟

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

چو گردندها مجلس از تو می‌لوس به استغفای بی مورد شوی لوس کنی رندی بطرزی غیر ملاؤس توهم قدری زنگی لیک افسوس که دیر افتاده اند تک و دو

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

از آن روزی که و کردی بدبینجا چه کردی از برای ما که حالا کنیمت ناز اگر گردی از م؟ از اینجا تانگشته پاک رسوا

گلیم خوش را بردار و درو

میلیسپو آی میلیسپو آی میلیسپو

قارقارک

پاپوش‌ها:

۱- یک دسته یا یک قطار الاغ را (کمند) گویند ۲- دکتر میلیسپو مردی بود بالبلند ۳- افکار و آفل ایرج میرزا. تدوین سیدهادی خاوری (کوشش)، انتشارات جویان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۶۸ ۴- طهران مصوّر، سال ۴، دوره دوم، ش ۶۴ ۱۳۲۳/۷/۱۰

بیات به لحن تعرض گفت چطور من که انگلیسی دان نیستم این موضوع را فهمیدم و شما نفهمیدید؟ حسیبی پرسید: چه موضوعی را؟

بیات گفت: مگر ندیدید در اتوبوس تابلوبی با خط درشت نوشته از سوار شدن کرد. اتوبوس ما را امتناع از سوار شدن کرد. اتوبوس پایین پرید و

بدکتر سنجابی و من سوار شدم و لی بود. دکتر شایگان و

تبلوبی نصب شده است که روی آن نوشته‌اند «نو اسموکینگ» مهندس حسیبی نقل می‌کرد یک شب که شام دعوت دین آحسن، وزیر خارجه امریکا بودیم، همه با لباس رسمی به دنبال تاکسی یا اتوبوس به راه افتادیم.

نو اسموکینگ

معمولًا در اتوبوس‌های امریکا تبلوبی نصب شده است که روی آن نوشته‌اند «نو اسموکینگ» مهندس حسیبی نقل می‌کرد یک شب که شام دعوت دین آحسن، وزیر خارجه امریکا بودیم، همه با لباس رسمی به دنبال تاکسی یا اتوبوس به راه افتادیم.



به کوشش سکینه کریمی

برای این بخش ۴ طرح برگزیده شده که هر یک گوشه‌ای از زیاده طلبی و سلطه جویی ایالات متعدد و مبارزات مردمی علیه آن را به نمایش می‌گذارد:

در طرح شماره ۱ شعار لا اله الا الله و مبارزات

اسلامی به عنوان عامل اصلی فرار امریکا از جهان اسلام، معرفی شده است.

در کاریکاتور شماره ۲ غارت منابع نفتی جهان توسط عموم سام را ملاحظه می‌کنید.

در طرح شماره ۳ تمايل و افر شیطان بزرگ به

امریکایی کردن ایران را می‌بینیم، لیکن ملت بزرگ ایران در حال قطع

دست درازی‌های او است.

کاریکاتور شماره ۴ مربوط به دوران پس از جنگ جهانی دوم است که امریکا

به عنوان تنها قدرت دارنده کلاهک‌های هسته‌ای در جهان، به قدرت نمایی

مشغول بود. در این طرح کلاهک هسته‌ای به کلاهی تشبیه شده که ایالات

متعدد می‌کوشد بر سر جهان و جهانیان بگذارد، غافل از آن که مردم

آگاه، مروع و چنین تبلیغاتی نمی‌شوند.



میلیسپو و حکم تعليق کارمند

در دوره اولی که میلیسپو به ایران آمد بود، کار یکی از کارمندان را مدت شش ماه معلق نگاه داشت. بر اثر ادامه تعليق، وضع زندگی آن کارمند روشن سازد و زن و فرزندش همواره اصرار می‌ورزیدند تکلیف خود را بخشد. یک روز وی ناگزیر سرزده وارد اطلق دکتر میلیسپو شد و چند کلمه‌ای به فارسی به دکتر گفت. میلیسپو چون فارسی نمی‌دانست از حرفاها او چیزی نفهمید. کارمندی اختیار دستهای خود را روزی زمین گذاشت و پاهارها کرد... میلیسپو اول به وحشت افتاد. سپس منشی و مترجم خود را خواست و پرسید این مرد دیوانه چه می‌گوید؟ آن کارمند گفت: شش ماه است این آقا ما را طور معلم نگاه داشته به وی بگویید اگر طاقت ۱۰ دقیقه این طور ماندن را داری حق با تست والا تکلیف مرا که شش ماه است معقم، تعیین کن. این حرف وقتی ترجمه شد باعث خنده دکتر میلیسپو گردید و بلافصله حکم تعليق وی را الغو کرد او را به کاری گماشت.

شاهنشاه امریکا

زمانی که دکتر مصدق به امریکا رفت در مجلس ضیافتی که به افتخار هیات اعزامی ایران (که مصدق با خود برد بود) از طرف وزارت خارجه امریکا برگزار شد وزیر خارجه آحسن جام خود را به سلامت شاهنشاه ایران بلند کرد و نطقی ایجاد کرد و بعداً همه جامها را خالی کردند. سپس سهام السلطان بیات برخاست و گفت: من هم جام خود را به سلامت شاهنشاه امریکا مستر ترور من بلند می‌کنم

چنین مدالهایی را می‌شود از صرافیها خرید

مسابقات المپیک سوم که در شهر سنت لوئیس امریکا در سال ۱۹۰۴ برگزار شد، المپیک بود که بیشتر شbahat داشت که در آن هرگونه تقابی انجام پذیرفت و اعجوبه‌هایی برای انجام نمایشها خنده‌آوری در آن شرکت کردند. زیرا که تعداد رسمی شرکت کنندگان ۶۱۷ تن بودند که ۵۲۵ نفر آنها امریکایی بودند. تمام مدالها جز دو ستایی به خود امریکاییها تعلق گرفت و در مسابقات همه‌گونه خلافکاری و تقلب دیده شد.

مثلاً فردلورز (امریکایی) که مدالهایی را می‌شود از صرافیها هم پس از دوین ۱۵ کیلومتر خرید. مدال المپیک تا ۸ کیلومتری به وسیله اتومبیل گردید که پایان برده شد و پس از پیاده گردن کسی آویخته شود که حقیقتاً مظہر تدرستی و سلامت سل خود و پاکی روح و جوانمردی در خور یک قهرمان باشد». بارون بی پردو کوپرین بنیانگذار مسابقات جدید المپیک پس از بدنی، انتشارات دانشگاه آگاهی از تقابیها و حلقه‌بازی‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی تهران شرکت کنندگان امریکایی سخت به خشم آمد و پس از پایان